

جایگاه روزنامه نگاران بین المللی در روابط بین المللی با تاکید بر وضعیت روزنامه نگاران ایرانی

دکتر عباس اسدی^{۲۱}

چکیده:

روزنامه نگاران بین المللی، از «ناظران» و «بازیگران» بسیار موثر در عرصه های بین المللی شناخته می شوند. مطبوعات و رسانه های بزرگ بین المللی هر روز دو یا چند صفحه، را وقف مسائل بین المللی می کنند و اخبار و عقاید روزانه مربوط به آن را تحلیل می کنند و از آن مبنایی برای داوری به دست می دهند و بدین ترتیب، بر روابط دولت ها و مذاکرات مقامات تاثیر می گذارند. این در حالی است که، کشور ما در حال حاضر فاقد روزنامه نگارانی متخصص و مجرب در حوزه های خاص بین المللی است. این مقاله، با رویکرد تاریخی و تحلیلی، می خواهد ضمن بررسی نقش روزنامه نگاری بین المللی در معادلات بین المللی، به این سؤال پاسخ دهد که چرا روزنامه نگاران ایران در این معادلات هنوز جایگاهی کسب نکرده اند؟ کلید واژه: روزنامه نگاری بین المللی، روزنامه نگاران بین المللی، رسانه های بین المللی، سلطه رسانه ای و یونسکو.

۱. عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی - Aliabbas1356@yahoo.com

۲. رئیس پژوهشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه:

«کارل کراس»^۱ طنز نویس اتریشی (۱۸۷۴-۱۹۳۶) می گوید: می دانید دنیا چطور اداره می شود و چطور به جنگ می انجامد؟ دیپلمات ها به روزنامه نگاران دروغ می گویند و وقتی همین دروغ ها را چاپ شده می بینند آنها را باور می کنند.

روزنامه نگاری بین المللی، یک حرفه ای افسانه ای است. یک ابزار اساسی برای درک جهان است. یکی از معتبرترین و همین طور سخت ترین اشکال حرفه خبری است. جنگ ها، کودتاها، ترورها، فجایع طبیعی، آشوب ها، آدم ربایی ها، انتخابات، اقتضاحات، بسیار اوقات به علت ویژگی های دراماتیک ایشان، در راس فهرست رویدادهای روز قرار می گیرند. زمانی هم که شهرت افراد با رویدادی آمیخته می شود، پوشش خبری آن توسط رسانه ها افزایش می یابد. قتل قلان شخصیت سیاسی، هزار بار بیش از مرگ صدها نفر که هر سال در اثر خشونت های قومی، نژادی، مذهبی و سیاسی در اطراف و اکناف جهان به قتل می رسند، در رسانه های بین المللی نشان داده می شود.

دیپلمات ها، سیاستمداران، بازرگانان، مالکان و افراد ثروتمند و با نفوذ در سراسر جهان به روزنامه نگاران بین المللی توجه ویژه دارند و نوشته های آنها را با ولع می خوانند. زیرا آنها می دانند مقالات و اخبار منتشره در مطبوعات بین المللی بازتابنده علائق و عقاید نظام ها و حکومت های مختلف هستند. همچنین آنها این روزنامه ها را به این سبب می خوانند که می دانند هرکسی نقشی در زندگی اجتماعی دارد، در نتیجه این روزنامه ها حاصل تجربیات مشترک طبقات حاکم ملت های خویش است. بنابراین، اعتبار و همین طور میزان نفوذ ایشان بستگی به تصاویری دارد که از طریق مطبوعات بین المللی ارائه می شود.

هنگاهی که کشمکش رخ می دهد، هم رهبران سیاسی و نظامی و مشاوران آنها تمایل دارند تا روزنامه نگاران را در کانون توجه قرار دهند و هم گروه های شورشی تلاش می کنند یا به چابلوسی روزنامه نگاران پردازند یا این که آنها را مورد ارباب قرار دهند. روزنامه نگاری بین المللی با پرداختن به مسائل و رویدادهای خارجی و انتشار گزارش

1 - Karl Kraus

های تاثیر گذار، بیش از پیش به بازتاب جهان تو در تو می پردازد. در روزنامه نگاری بین المللی مرز میان محلی و بین المللی و دور و نزدیک از بین می رود. یک تصمیم اتخاذ شده در «شانگهای» چین می تواند برای کارگری در یک کشور دور دست، مهمتر از یک دستور دولت آن کشور برای او باشد.

در واقع، می توان گفت که امروز روزنامه های بین المللی از چنان اهمیتی برخوردارند که «چون سرود ملی، پرچم، واحد پول و تصویر رئیس کشور، سمبول و هویت یک کشور محسوب می شوند. پراودا، لوموند، تایمز، نیویورک تایمز و سایر روزنامه ها در دکه روزنامه فروشی ها در نوع خود یک سازمان ملل محسوب می شوند.» (اسمیت، ۱۳۶۹، ص ۶۵)

«لئو هامون»^۱ سیاستمدار فرانسوی در یکی از کتاب های خود، به نقل از «ادوار سابلیه»^۲ نویسنده روزنامه لوموند، می نویسد، روزی «آندره تاردیو»^۳ سردبیر لوموند، دفتر سردبیری را به «سابلیه» نشان می دهد و می گوید: «اینجا را که می بینی، محلی است که سال ها، سیاست خارجی فرانسه را تعیین کرده و می کند.» بحث بر سر رسانه های پر نفوذی است که روزانه دستور کار سیاستمداران، دیپلمات ها، رهبران جامعه و دیگر بازیگران عرصه های مختلف بین المللی را مشخص می کنند. البته طنز قضیه این جاست که، رسانه های مهم دنیا، که یکی از بزرگ ترین بازیگران عرصه سیاست های بین المللی به شمار می

1 - Léo Hamon

«لئو هامون»، در ۱۹۰۸ در پاریس متولد شد. دکترای خود را در رشته حقوق از دانشگاه سوربن دریافت کرد. مدتی به وکالت پرداخت، سپس به عنوان نماینده وارد پارلمان فرانسه شد و در ۱۹۹۳ درگذشت.

2- Edouard Sablier

«ادوار سابلیه» که از او به عنوان یکی از ستون های اصلی روزنامه لوموند یاد می شود، از ۱۹۴۹ وارد روزنامه لوموند شد و سالها همکاری خود را با این روزنامه ادامه داد. او در فوریه ۱۹۲۰ در بغداد متولد شد. پدرش کنسول فرانسه در عراق بود. «سابلیه» در مارس ۲۰۰۶ در سن ۸۶ سالگی در پاریس درگذشت. او شیفته «ژنرال دوگل» و «شرق» بود. همین شیفتگی توجه وی را به سوی انقلاب اسلامی ایران نیز جلب کرد و کتابی تحت عنوان «ایران، مخزن اسرار انقلاب اسلامی» نوشت.

3 - André Tardieu

آیند، کمتر از سوی محققان علوم سیاسی مورد مطالعه و پژوهش عمیق و بنیادی قرار گرفته اند.

مقاله پیش روی، می‌خواهد نقش روزنامه‌نگاری بین‌المللی را در معادلات و مجادلات بین‌المللی، مورد بررسی قرار دهد. این مقاله با رویکرد تاریخی و تحلیلی ضمن بررسی اهمیت فعالیت‌های روزنامه‌نگاری بین‌المللی، به تحلیل جایگاه امروزی این نوع روزنامه‌نگاری می‌پردازد و تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که چرا روزنامه‌نگاران ایران هنوز جایگاهی در معادلات بین‌المللی کسب نکرده‌اند؟

مروری بر تحقیقات پیشین

چنان که گفته شد رسانه‌ها به عنوان یکی از بازیگران صحنه سیاست، کمتر مورد مطالعه محققان و پژوهشگران علوم سیاسی قرار گرفته‌اند. مثلاً از میان مقالات و تحقیقات فراوان اختصاص یافته به مسایل بین‌المللی تا سال ۲۰۰۰، تنها، مقاله «برنارد ژاکیه»^۱ تحت عنوان «روابط بین‌الملل و استراتژی‌ها» که در مجله «بازیگران نظام بین‌المللی» منتشر شده، به طور مفصل، به رسانه‌ها و نقش آنها در نظام بین‌المللی پرداخته است. در ۱۹۹۰ کتاب «رسانه و سیاست خارجی» که زیر نظر «سیمون سرفاتی»^۲ منتشر شد، بیشتر مطالب آن نیز به تروریسم در خاورمیانه و موضوع گروگان‌های امریکایی در ایران تعلق داشت و تنها یک فصل از آن، به قلم «دیوید آر. گرگن»^۳ به بحث «خطرات دموکراسی از راه دور» اختصاص یافته بود، که راجع مساله پاناما در دسامبر ۱۹۸۹ صحبت می‌کرد. اگرهم بیشتر مطالعات مربوط به رابطه میان رسانه‌ها و سیاست خارجی، در امریکا صورت گرفته، شاید دلیل آن، وجود رقابت دیرینه میان رسانه‌ها و حکومت باشد. از میان آثار دیگری که در زمینه پوشش رسانه‌ای مسایل بین‌المللی منتشر شده‌اند می‌توان به دو کتاب انتشار یافته در ۱۹۹۰ با ویراستاری «سیمون سرفاتی» و همین‌طور به کتاب منتشره در ۱۹۶۳ توسط «کوهن»^۴ اشاره

1 - Bernard Jacquier

2 - Simon Serfaty

3 - David R. Gergen

4 - Cohen

کرد.

پژوهشگرانی که نقش رسانه ها را به عنوان یکی از «بازیگران» عرصه بین المللی مورد مطالعه قرار داده اند، در واقع نقش رسانه ها را فقط به صورت خط نقطه چین دیده اند. بدین معنی که، آنها بیشتر، نقش رسانه ها را در دوران بحران ها و جنگ ها بررسی کرده اند. مثلاً مطالعات انجام گرفته توسط «تسیونا پلد»^۱، «الیهو کاتز»^۲، «جی بلوملر»^۳، در ۱۹۷۴، در زمینه کاربرد های وسایل ارتباط جمعی، به «کارکرد رسانه ها در زمان جنگ» مورد جنگ کیپور در اکتبر ۱۹۷۳ « اختصاص یافته است.

یکی از نادر پژوهشگران فرانسوی، که به این موضوع پرداخته، «موریس دلارو»^۴ است. نتایج مطالعات وی در ۱۹۶۹ زیر نظر «لئو هامون» و تحت عنوان « شرحی بر مطبوعات در تدارک سیاست خارجی» انتشار یافت. این مطالعه بیشتر روی شکل گیری افکار عمومی تمرکز داشته است. دیگر بخش های این کتاب، راجع به، نظر سنجی و نفوذ در افکار است، که می تواند در هدایت سیاست خارجی نقش اساسی ایفا کند.

«شارل رونساک»^۵ روی مشارکت نشریات، به خصوص روزنامه «تایمز» در تعیین سیاست خارجی انگلستان، در نیمه اول قرن بیستم تاکید کرده است.

برخی از محققان نیز در زمینه مسایل سیاسی و بین المللی، مساله «افکار عمومی» را دستمایه تحقیقات خود قرار داده اند. اما جالب این جاست که موضوع نفوذ در افکار عمومی اغلب اوقات توسط مورخان ارائه شده است. مورخان آمریکایی نخستین کسانی بودند که به این مساله در کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه علاقه نشان دادند. در این زمینه می توان به آثاری چون «افکار عمومی فرانسه و امور خارجه، بین سال های ۱۹۱۴-۱۸۷۰» نوشته «مالکوم کارول»^۶ و «افکار عمومی فرانسه درباره جنگ و دیپلماسی در طول

1 - Tsiyona Peled

2 - Elihu Katz

3 - Jay G. Blumler

4 - Maurice Delarue

5 - Charles Ronsac

6 - Malcom Carroll

امپراطوری دوم»، تالیف «لین کاز»^۱ اشاره کرد.

«ژان باپتیست دوروزل»^۲ در یکی از نخستین شماره‌های مجله «روابط بین الملل» در ۱۹۷۴ مقاله‌ای تحت عنوان «افکار، نگرش، ذهن، افسانه، ایدئولوژی: جستاری طبقه بندی شده» منتشر کرد که در آن نوشت: «وسایل ارتباط جمعی وحشتناک هستند، البته واقعیت این است که جامعه بشری بسیار نفوذ پذیر و معاشرتی است.» (Duroselle, ۱۹۷۴, P. ۲۵۴). «جان ریلی»^۳ دیگر محقق آمریکایی در ۱۹۸۷ در مجله «سیاست‌های خارجی» مقاله‌ای تحت عنوان «افکار عمومی آمریکا و سیاست خارجی» نوشت که اساساً روی نظرسنجی‌ها بنا شده بود.

«فیلیپ جی. پاولیک»^۴ در ۱۹۹۵ مقاله‌ای تحت عنوان «منابع افکار عمومی برای سیاست رسمی خارجی آمریکا» در «فصلنامه مطالعات بین‌المللی» منتشر کرد و در آن نوشت: «با این که قدرت نفوذ رسانه‌ها روی حکومت و عموم [...] به طور گسترده شناخته شده است، اما به ندرت، رسانه‌ها به عنوان یک وسیله انتقال افکار عمومی به حکومت، مورد توجه قرار گرفته‌اند.» (Powlick, 1995, P. 435).

با این همه، یک ادبیات مهم درباره رسانه‌ها، به عنوان بازوهای سرمایه داری آمریکا وجود دارد. آثاری ایدئولوژیکی و علمی که در این زمینه منتشر شده می‌توان از نظریات «هربرت شیلر»^۵ استاد ممتاز دانشگاه کالیفرنیا در شهر «سن دیگو»، در کتاب «وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا» نام برد که در ۱۹۶۹ منتشر شده است. این کتاب در سال ۱۳۷۶ به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. در کتاب مذکور «برای نخستین بار، در برخوردی قابل فهم و رسا، ساختار و سیاست ارتباط جمعی در ایالات متحده، به شکلی انتقادی و در پیوند با مهم‌ترین عملکردهای آن، یعنی عملکردهای اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.» (شیلر، ۱۳۷۷، ص ۴۸) به عبارتی هربرت شیلر در این کتاب «چگونگی

1 - Lynn Case

2 - Jean- Baptiste Duroselle

3 - John Reilly

4 - Philip J. Powlick

5 - Herbert Schiller

بهره گیری هیئت حاکمه ایالات متحده را از وسایل جدید ارتباطی در راه افزایش قدرت نظامی و اقتصادی و استیلای بیش از پیش بر بازارهای جهانی آشکار ساخته است و واقعیت های نظام سرمایه داری و به اصلاح «اقتصاد آزاد» را - که پشت نقاب آزادی گرایی، با شیوه های نواستعماری و هجوم های نامرئی از طریق ارتباطات جمعی و بویژه آژانس های بزرگ خبری، فیلم های سینمایی، برنامه های تلویزیونی و موسسات انتشاراتی، منافع سیاسی و اقتصادی دولت های صاحب سلطه را تامین می کنند - تجزیه و تحلیل کرده است.» (شیلر، ۱۳۷۷، ص ۱۷)

«جرمی تونستال»^۱ محقق انگلیسی ارتباطات در ۱۹۷۷ در کتاب معروف خود به نام «وسایل ارتباط جمعی آمریکایی هستند» تحلیل های انتقادی از رسانه های غربی ارائه کرده و در فصل دوم کتاب خود، تحت عنوان «رسانه های امپریالیسم؟» به بررسی نظریات «هربرت شیلر» پرداخته است. این مطالعات حول محور اقتصادی و فرهنگی رسانه های آمریکایی در جهان می چرخد و مساله نقش رسانه ها در عرصه بین المللی را به صورت جزئی مطرح می کنند.

این محقق انگلیسی «در دنباله بحث انتقادی خویش راجع به روزنامه نگاری غربی، چگونگی و نتایج انتقال شیوه های آموزشی و همچنین روش های پژوهشی ارتباطات، از ایالات متحده آمریکا به ممالک دیگر جهان را، نیز یادآوری کرده است. وی پس از تاکید بر هدف های توسعه مطالعات و تحقیقات ارتباطی در آمریکا، از چند محقق و متخصص مشهور آمریکایی، که در تاسیس دانشکده ها و موسسات عالی آموزشی ارتباطات و روزنامه نگاری جهان سوم و نیز در گسترش برنامه های ارتباطی «یونسکو» و اشاعه مطالعات مربوط به توسعه بخشی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه و ترویج نظریه «جریان آزاد اسلعات» در جهان نقش حساسی داشته اند، یا نموده است و مجموعه این فعالیت ها و اقدامات را جزء تلاش های جدید سلطه فرهنگی جهانی، مورد مطالعه قرار داده است.» (معمدنژاد، ۱۳۶۸، ص ۴۷۷)

1 - Jeremy Tunstall

«اليهو کاتز» و «جرج ودل»^۱ از دیگر محققان ارتباطی، نیز با انتشار کتاب «برنامه پراکنی‌ها و توسعه ملی»^۲ در ۱۹۷۶ نظریه امپریالیسم تلویزیونی را به چالش کشاندند. در میان پژوهشگران داخل ایران، کاظم معتمدنژاد در آثار متعدد خود، به خصوص در کتاب «ارتباطات بین‌المللی»، کارکردهای خبری رسانه‌های بین‌المللی و امپریالیسم ارتباطی را از زوایای مختلف و با نگاه انتقادی - تاریخی مورد نقد و بررسی قرار داده است. همچنین، رسانه‌ها به خصوص به عنوان «شاهدان» صحنه بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ نحوه انعکاس اخبار یک کشور در رسانه‌های یک کشور دیگر، موضوع بسیاری از تحقیقات بوده است؛ مطالعات «جی. دبلیو لاپیر»^۳ در زمینه نحوه انعکاس اخبار مربوط به اسرائیل در مطبوعات فرانسه، نمونه‌ای از این دست است. یا می‌توان به مطالعات «مراد عاصی»^۴ اشاره کرد که در ۱۹۸۱ به تحلیل شیوه ارائه اخبار مربوط به اعراب و اسرائیل در برنامه‌های خبری سه شبکه آمریکایی در سال‌های ۱۹۷۰ پرداخت. «پیر آلبر»^۵، «دانیل جی. گرانتز»^۶، «ماکس گالو»^۷، «فواد بن هلا»^۸، «توفیل ویتن»^۹ و دیگران در زمینه تبلیغات سیاسی رسانه‌ها به خصوص رادیو‌های بین‌المللی مطالعاتی انجام داده‌اند. «برژینسکی» نیز جایگاه ویژه‌ای را برای رادیوهای بین‌المللی به خصوص در بعد فرهنگی قائل است.

«گالتونگ» محقق نروژی هم در اواخر دهه ۱۹۶۰ موضوع انحصار حکومت‌ها در زمینه سیاست خارجی را مورد مطالعه قرار داد. مطالعه «برنارد سه سیل کوهن»^{۱۰} بر روی مطبوعات آمریکا که نتایج آن در ۱۹۶۳ تحت عنوان «مطبوعات و سیاست خارجی» منتشر شد، نشان می‌داد که مطبوعات آمریکا در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به کشورهای

1 - George Wedell

2 - Broadcasting and National Development

3 - J.W. Lapierre.

4 - Morad Asi

5 - Pierre Albert

6 - Daniel J. Grange

7 - Max Gallo

8 - Fouad Benhalla

9 - Théophile Vittin

10 - Bernard Cecil Cohen

خارجی نقش عمده ای داشته و دارد. این محقق در کتاب خود به خصوص روی «مطبوعات مرجع» تاکید می کند که کارگزار وزارت خارجه آمریکاست. او می نویسد: « شما نمی توانید در وزارت خارجه بدون نیویورک تایمز کار کنید.» (Cohen, 1963, P.21) اعضای کنگره، این روزنامه را «انجیل خبر برای هر کسی» می دانند. «کوهن» نیز روزنامه های مرجع، در پایان سال های ۵۰ را چنین بر می شمرد: «واشنگتن پست»^۱، «نیویورک هرالدریون»^۲، «وال استریت ژورنال»^۳، «بالتیمور سان»^۴. او همچنین در مطالعات خود به پوشش خبری رویدادهای بین المللی توجه کرده و نشان می دهد که این نوع پوشش خبری توانسته روی تصمیم گیری های سیاسی تاثیر به سزایی داشته باشد.

کارکرد روزنامه نگاری بین المللی

روزنامه نگاری بین المللی نوعی از روزنامه نگاری است که سطح فعالیت آن، فراتر از چند کشور است. رسانه های بزرگ بین المللی علاوه بر این، در بازارهای داخلی با همدیگر رقابت می کنند، همه آنها خود را متعهد به درج امور بین المللی می دانند و هر روز دو یا چند صفحه، را وقف دنیای بیرون مرزهایشان می کنند. کار همدیگر را می خوانند و مسائل و امور بین المللی و همین طور اخبار و عقاید روزانه را تحلیل و ارزیابی می کنند و از آن مبنایی برای داوری به دست می دهند. آنچه یک روزنامه بین المللی می گوید می تواند به خودی خود خبر باشد. اظهار نظر «تایمز» درباره موقعیت کنونی بریتانیا، آخرین افشاگری «اینترنشنال هرالدریون» در باب خطاهای فلان رئیس جمهوری غربی، داوری «لوموند» درباره تحولات فلان کشور آفریقایی و غیره بالقوه خبر است.

بیشتر دولت های جهان، سفارتخانه ها و مقام هایشان درک خود از دنیا را از صافی داوری روزنامه های مهم می گیرند. جدا از خبرهای داغ مانند جنگ ها و فجایع، رادیو و تلویزیون ها، خبرگزاری ها و دیگر رسانه های اینترنتی هم برای تشخیص این که اهمیت

1 - Washington Post
2 - New York Herald Tribune
3 - Wall Street Journal
4 - Baltimore Sun

کدام ماجرا به هزینه قابل توجه فرستادن فیلمبرداران تلویزیون می‌ارزد، منتظر داوری روزنامه‌های بزرگ هستند. در بیشتر کشورها، خبرهای ساعت هشت صبح رادیو را صفحات اول روزنامه‌های بزرگ همان روز تعیین می‌کنند. توجه یک روزنامه مهم به یک حادثه، به آن اهمیت می‌بخشد. روزنامه‌های بزرگ این قدرت را دارند که اولویت‌هایی را که به اخبار می‌دهند، به دنیا بقبولانند. رادیو و تلویزیون بیشتر دنباله‌روی مطبوعاتند تا هدایت‌کننده آن. بنابراین روزنامه‌ها می‌توانند مطالب را خیلی عمیق‌تر پیروراند و گزارش کنند. (واکر، ۱۳۷۲، ص ۲۲)

روزنامه‌های بین‌المللی برای خودشان سابقه ساخته و می‌سازند و با آن زندگی می‌کنند. طول عمر روزنامه‌ها و سابقه و سنت آن‌ها، نوعی مسئولیت حرفه‌ای بر روزنامه‌نگار تحمیل می‌کنند. البته منظور از سابقه تنها عمر موسسه مطبوعاتی نیست، بلکه گذشته مردانی است که با هم بزرگ می‌شوند. روزنامه‌نگاران جوانی که به سردبیری و سیاستمدارانی بلند پروازی که به وزارت می‌رسند. «یک نسل تمام از پرولتاریای انقلابی، که بعدها انقلاب اکتبر را به انجام رساند، با پراودا بزرگ شد. بسیاری از آنها در خود پراودا بزرگ شدند. لنین، استالین، تروتسکی، کامنف، مولوتف و بوخارین همه زمانی پشت سردبیری پراودا می‌نشستند.» (واکر، ۱۳۷۲، ص ۳۲)

گذشته جان‌کندی و بن‌برادلی، ناصر و هیکل و لوموند و دوگل و دیگران، سابقه کمی برای واشتگتن پست و الاهرام و غیره نیست. به همین خاطر، هر کدام از روزنامه‌های بین‌المللی بیرون از مرزهای ملی ایشان شناخته شده و خوانده می‌شوند و هر یک را مشخصاً می‌توان مخزن اطلاعات گروه‌ها و طبقات نخبه جامعه خودش دانست.

رسانه‌های مهم دنیا در پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ خارجی، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اختصاصی دارند. این خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، درباره اوضاع بین‌المللی و کشورهای محل مأموریت خود، اقدام به تهیه و ارسال اخبار می‌کنند. معمولاً این اخبار در صفحات بین‌المللی و یا خارجی مطبوعات منتشر می‌شوند. به عبارتی رسانه‌های بین‌المللی، خبرهای بین‌المللی را از کشورهای مختلف جهان به وسیله نمایندگان مخصوص خود جمع‌آوری و مخابره می‌کنند. در واقع، رسانه‌هایی که در چند کشور مختلف، دفاتر

و خبرنگار داشته باشند، رسانه های بین المللی نامیده می شوند.

اخبار کنفرانس های بین المللی، فعالیت های دیپلماتیک بین المللی، مسائل مربوط به روابط متقابل کشورها، بحران های حکومتی، سقوط هواپیماها، مسابقات ورزشی، مسائل زیست محیطی، همین طور ماجراهای زندگی خصوصی ستارگان سینما و ورزش و امثال آنها که در کشورهای خارجی اتفاق می افتند، از خبرهای بین المللی محسوب می شوند، که توسط روزنامه نگاران بین المللی گزارش و تفسیر می شوند. در واقع، روزنامه نگاران فعال در این حوزه، معمولاً کسانی هستند، که به طور مرتب با یک یا چند رسانه خارجی (مطبوعات، خبرگزاری ها و رادیو و تلویزیون ها)، همکاری حرفه ای می کنند و در آمد اصلی آنها از این طریق تامین می شود. یکی از مهم ترین ویژگی های روزنامه نگاران بین المللی، آشنایی آنها به یک یا چند زبان خارجی و همین طور شناخت کامل حوزه کاری و محل مأموریت خود است.

روزنامه های مهم بین المللی از دانشگاه های نخبه پرور مسکو، توکیو، آکسفورد و کمبریج، هاروارد و ییل و اکول نورمال نیرو جذب می کنند. روزنامه نگاران فارغ التحصیل این دانشگاه ها بخشی از حلقه اداری، اقتصادی، قدرت سالاری و روشنفکری هستند که کشور را می گردانند. (واکر، ۱۳۷۲، ص ۳۰ و ۳۱) این افراد در مقام روزنامه نگار با تسلط بر حوزه فعالیت خود، مسائل مربوط به حوزه خود را زیر و رو می کنند و روی آنها گزارش و نظر می دهند. روزنامه نگاران انگلیسی در این باب لطیفه قدیمی دارند. روزی همسر یک دوک از دادگاه تقاضای طلاق می کند. خبرنگاران به خانه مجلل دوک می روند، زنگ می زنند و به پیشکار او اطلاع می دهند که مایلند با دوک صحبت کنند. پیشکار وارد اتاق کار دوک می شود و می گوید: «عالیجناب چندتا خبرنگار و آقای از تایمز برای دیدن شما آمده اند.» (واکر، ۱۳۷۲، ص ۳۱)

یک روزنامه نگار فرانسوی نیز روزنامه نگاران بین المللی را به سه دسته تقسیم می کند: «گروه اول گردشگران که چند روزی در اطراف محل وقوع خبر سرک می کشند و وقتی اوضاع هنوز آرام است خود را نشان می دهند و به گذرنامه شان مهر می زنند و بعد به کشورشان برمی گردند، گروه دوم با تمام تجهیزات می آیند، اما واقعا دنبال خبر، سراغ

کشور یا مردم آن نمی روند و سرانجام گروه سوم که به کارشان اهمیت می دهند و زمانی که همه خبرنگاران دیگر دارند می روند، می مانند و به کار ادامه می دهند. آنان کارشناس و خبرنگار جهانی هستند که همیشه سؤال هوشمندانه اضافی را مطرح می کنند. بیشتر تلاش می کنند تا به خبر واقعی دست یابند، از این که به عمق خبر و کنه ماجرا دسترسی پیدا کنند، ابایی ندارند... همین گروه آخر هستند که در دنیایی پر از شک و تردید، نشان می دهند که روزنامه نگاری واقعا اهمیت دارد. آنان می توانند پیام آوران وحشت و رنج باشند.» (هربرت، ۱۳۸۴، ص ۲۴) کاراین گونه روزنامه نگاران اثرگذار و موثر است. آنها می توانند بر سیاست خارجی اثر بگذارند و افکار عمومی را هدایت کنند.

با این وصف، روزنامه نگاران بین المللی را می توان متناسب با میزان تاثیرگذاریشان به دو گروه «بازیگران» و «شاهدان» عرصه های بین المللی تقسیم کرد. روزنامه نگاران «بازیگر»، می توانند نقش مهم در روابط بین المللی به خصوص در دوران بحران ایفا کنند. در این مورد می توان به «جان اسکالی»^۱ روزنامه نگار امریکایی که اخیرا درگذشت، اشاره کرد. وی برای خبرگزاری آسوشیتد پرس کار می کرد، و خبرنگار شبکه «ای.بی.سی» در وزارت خارجه بود. او در زمان بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲ میانجیگر غیررسمی میان امریکا و اتحاد جماهیر شوروی به حساب می آمد. (Le Monde, 13 octobre 1995, P.15) همچنین می توان از «هروه بورژه»^۲ یاد کرد، که از سوی «فرانسوا میتران» رئیس جمهور فرانسه، برای کاهش تنش میان فرانسه و گابن با «بونگو»^۳ رئیس جمهور آن کشور، دیدار کرد. همین طور می توان به روزنامه نگارانی دیگری اشاره کرد که در دهه های اخیر توانسته اند روی حاکمان و رهبران سیاسی تاثیر به سزایی داشته باشند، نمونه این افراد عبارتند از: «والتر لپمن»^۴ روی سیاست «ترومن»^۵ در زمینه کمک به اروپا، «جیمز روستون»^۶

1- John Scali

2 -Hervé Bourges

3 - Bongo

4 - Walter Lippmann

5 - Truman

6 - James Roston

روی «دان آشسون»^۱.

همچنین روزنامه نگاران «بازیگر» را می توان به دو گروه «روزنامه نگاران سیاستمدار» و «سیاستمداران روزنامه نگار» تقسیم کرد. «روزنامه نگاران سیاستمدار» کسانی هستند که بنابر دلایلی، حرفه روزنامه نگاری را رها می کنند تا به دنیای سیاست بازگردند. مثلاً «ژان ژاک سروان - شرایبر» روزنامه نگار برجسته فرانسوی، که مجله معروف «اکسپرس»^۲ را در ۱۹۵۳ بینان نهاد، در سال ۱۹۷۴ وزیر اصلاحات در دوران ریاست جمهوری «والری ژیسکار دستن» شد. او از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹ نیز دبیرکل حزب رادیکال بود. البته، او سپس سیاست را رها کرد.

به هر حال، روی آوردن روزنامه نگاران به دنیای سیاست، گاهی اوقات، این شک را بر می انگیزد که، این روزنامه نگار هرگز بی طرف نبوده بلکه، در خدمت یک ایدئولوژی قرار داشته است، بنابراین، آنچه که شخص در مقام روزنامه نگار در گذشته انجام می داده و همین طور نیات واقعی او در سایه قرار می گیرد.

«سیاستمداران روزنامه نگار» هم کسانی هستند که آنها هم بنابر دلایلی، صحنه سیاست را ترک می کنند و وارد فعالیت روزنامه نگاری می شوند و اطلاعات و فعالیت خود را ازدرون دستگاه سیاست به هیات تحریریه منتقل می کنند. مثلاً «ادوارد مارو» رئیس اسبق آژانس اطلاعاتی آمریکا بود که بعدها به عنوان خبرنگار برای شبکه «سی بی اس» کار کرد، یا «کارل روو» مشاور پیشین کاخ سفید و استراتژیست جمهوری خواه، که بعداً مفسر شبکه فاکس نیوز و همچنین مقاله نویس مجله نیوزویک و وال استریت ژورنال شد یا «تیم راسرت» که قبل از این که به نمونه و سر مشقی روزنامه نگاران تلویزیونی تبدیل شود، برای چندین سیاستمدار نیویورکی - مانند «دانیل موینهان» سناتور امریکایی و «ماریو کومو» فرماندار اسبق نیویورک کار می کرد.

از نکات مثبت روزنامه نگار شدن سیاستمداران این است که آنها با خودشان گنجینه ای

1 - Dean Acheson

2 - L'express

از دانش، تجربه و جزئیات واقعی مربوط به حوزه سیاست را به همراه می‌آورند که بیشتر گزارشگران هرگز به آن دسترسی ندارند. برتری بالقوه افرادی که از جهان سیاست و دولت وارد روزنامه نگاری می‌شوند این است که طرز کار و چگونگی صحبت و تفکر سیاستمداران را درک می‌کنند. زمینه داشتن در سیاست آمادگی خوبی برای یک گزارشگر سیاسی است.

جنبه منفی آن نیز، این است که احتمال دارد سیاستمداران سابق با خود تعصب سازمانی نسبت به سازمان‌ها و وزارت خانه‌هایی را که در آن‌ها خدمت می‌کردند به همراه داشته باشند، که این تعصب، می‌تواند آگاهانه یا نا آگاهانه، در تفاسیر و تحلیل‌های آنها تاثیر منفی بگذارد و باعث تحریف اطلاعات شود. همچنین سیاستمداران روزنامه نگار گاهی اوقات مجبور هستند خود را به آب و آتش بزنند تا مغرض به نظر نیایند، که این امر ممکن است با انجام کار متهورانه در روزنامه نگاری در زمانی که مورد نیاز است، تداخل پیدا کند.

بنابراین، اگر سازمان‌های خبری که سیاستمداران سابق را که به خدمت می‌گیرند، با مخاطبان خود در مورد «وفاداری‌های سابق» آنان شفاف عمل نکنند، اعتماد مخاطبان را از دست خواهند داد. افرادی هم که از جهان سیاست وارد دنیای روزنامه نگاری می‌شوند باید ثابت کنند که وفاداری‌های سازمانی و گذشته خود را کنار گذاشته و مقررات حرفه جدید ایشان را پذیرفته‌اند.

البته ناگفته هم نماند، روزنامه نگارانی هم بودند و هستند که هیچ گاه نخواستند اند صحنه روزنامه نگاری را برای کسب مقام سیاسی ترک کنند و ترجیح داده و می‌دهند که در دنیای روزنامه نگاری بمانند. نمونه‌ای از این دست روزنامه نگاران، می‌توان به «آندره فونتن» اشاره کرد. او که سال‌ها سردبیری روزنامه لوموند را بر عهده داشت، در دهه ۱۹۷۰ چند بار دولت فرانسه از او خواست تا سفارت آن کشور در چین را بپذیرد، اما «فونتن» ترجیح داد تا در حرفه روزنامه نگاری باقی بماند.

به طور کلی باید گفت، روزنامه نگاران بین‌المللی، به سبب فعالیت‌ها و عملکردهای حساس ایشان، از ناظران و بازیگران مهم و بسیار موثر در عرصه‌های بین‌المللی شناخته می‌

شوند. فعالیت این گروه از روزنامه نگاران، علاوه بر محیط زندگی داخلی کشورها، در عرصه زندگی بین المللی نیز تاثیر ویژه می گذارد. این گروه از روزنامه نگاران در گسترش افکار عمومی جهانی و تبادل عقاید، احساسات و قضاوت های ملل مختلف جهان در برابر مسائل مشترک، نقش تعیین کننده ایفا می کنند. به همین خاطر، دولت ها و حکومت ها همواره می کوشند برای تاثیر گذاری هم در صحنه سیاست داخلی و هم در صحنه سیاست خارجی، روزنامه نگاران و به خصوص روزنامه نگاران حرفه ای و شناخته شده در سطح بین الملل را مورد توجه قرار دهند. (معتدناژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۷)

به بیان دقیق تر می توان گفت که، رسانه های بین المللی، «بین المللی سازان» را هدف قرار می دهند. بین المللی سازان شامل تصمیم گیران، نخبگان و افرادی با قدرت خرید بالا هستند که در موسسه های بزرگ، محافل دانشگاهی، علمی، فرهنگی و اداری فعالیت می کنند. به عبارتی، مخاطبان رسانه های بین المللی، به اصطلاح «جهان وطنی ها» هستند، یعنی آنهایی که «نفوذ جهانی» دارند و درگیر مسائل جهانی هستند. (www.bbc.co.uk). بر این اساس می توان گفت، رسانه های بین المللی به لحاظ تعداد، نسبتا اندک هستند، اما ضریب نفوذ بسیار بالایی دارند. این رسانه ها بیش از هر چیز، گزارش هایی را از نیروهای بین المللی، سیاست، دیپلماسی، اقتصاد، تکنولوژی ها و همین طور فرهنگ بین المللی تهیه و ارائه می کنند. بنابراین، حوزه های مذکور تحت سلطه رسانه های غربی و به عبارتی رسانه های انگلیسی - آمریکایی هستند. در سال های اخیر با تاسیس شبکه خبری بین المللی «سی ان ان» الگوی تازه ای در اخبار بین المللی پدید آمده است.

زمینه های گسترش روزنامه نگاری بین المللی

جنگ ها، کشمکش ها و منازعات بستر ساز فعالیت های روزنامه نگاری بین المللی بوده اند. گزارشگری جنگ همیشه برای روزنامه نگاران، فعالیت جذاب بوده است. در قرون جدید و از دوره جنگ های ناپلئونی^۱ در نیمه قرن ۱۸ به این سو، گزارش از خط مقدم جبهه

۱- منظور مجموعه ای از جنگ هایی است که در دوره حکومت ناپلئون بناپارت بین امپراتوری فرانسه و

کم و به‌ندرت بود. در نیمه قرن ۱۹ ارسال گزارش‌های مربوط به جنگ و پدیدار شدن وسایل اولیه ارتباطی (همچون راه آهن و تلگراف) رنگ تازه‌ای به خود گرفت. پیش از این، تنها گزارش‌های مربوط خط اول نبرد، مربوط به نامه‌های سربازان و نامه‌های نظامی مربوط به فرماندهان جنگ بود.

برای نخستین بار، اخبار و گزارش‌های مستقیم از چگونگی برخورد نظامی در صحنه‌های منازعات، به وسیله «ویلیام هوارد راسل»^۱ روزنامه نگار ایرلندی روزنامه تایمز لندن در جریان جنگ کریمه (شبه جزیره شمال دریای سیاه)، که در سال‌های ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۶، بین روسیه از یک سو و ترکیه و انگلستان، فرانسه و ایتالیا از سوی دیگر، در گرفته بود، تهیه شدند و در این روزنامه به چاپ رسیدند. در واقع، «راسل» به عنوان یکی از اولین گزارشگران جنگ عصر نو شناخته می‌شود و گزارش‌هایش از خط اول جنگ برای نخستین بار عموم مردم را با حقیقت جنگ و درگیری آشنا کرد. اعتراض‌های عمومی ناشی از چاپ گزارش‌های او موجب شد تا دولت انگلیس در وضعیت نیروهای خود تجدید نظر کند و سرانجام این اتفاق‌ها منجر به سقوط دولت و استعفای «لرد آبردین»^۲ - نخست‌وزیر وقت انگلستان - شد. البته راسل از سوی برخی متهم به افشای اسناد محرمانه جنگی و همچنین دست کم گرفتن توانایی نیروهای انگلیسی شد. این مخالفت‌ها با او سبب می‌شد تا فرماندهان و مسئولان نظامی بریتانیا دیگر با او گفت‌وگو نکنند.

گزارش‌های راسل از جنگ کریمه دولت و ارتش انگلستان را به سمت محدود کردن او و دیگر روزنامه نگاران برای پوشش اخبار جنگ و دسترسی به خط اول جنگ کشاند. اخبار و گزارش‌ها، قبل از انتشار، از سوی مقامات نظامی انگلیسی دستکاری و سانسور می‌شدند و به گونه‌ای که با منافع دولت انگلستان انطباق داشته باشند، سپس به خوانندگان

متحدانش از یک سو و نیروهای متغیر ائتلاف بین سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۵ اتفاق افتاد. قدرت فرانسه که با فتح بیشتر اروپا به تندی افزون می‌شد، در سال ۱۸۱۲ در اثر عواقب اشغال روسیه، شدیداً کاسته شد. در نهایت امپراتوری ناپلئون متحمل شکست کامل نظامی شد که به بازگشت بوربون‌ها به سلطنت فرانسه منجر شد.

1 - William Howard Russell

2 - Lord Aberdeen

عرضه می گردیدند. به این ترتیب، شیوه گزارشگری جنگ‌های کریمه، اولین نمونه سانسور و تحریف اخبار و تصویرپردازی منفی از دشمن در گزارش‌های خبری جبهه‌های نظامی در دوره معاصر را، که در جنگ‌های اول و دوم جهانی و برخی از جنگ‌های دهه‌های اخیر مانند جنگ خلیج فارس به اجرا در آمدند، پدید آورد. پیش از آن، معمولاً خبرنگاران اجازه حضور در جبهه‌های جنگ را نداشتند و برخی از نظامیان، وظایف تهیه گزارش‌های رسمی این جبهه‌ها را ایفا می کردند.

استفاده از فعالیت‌های خبری روزنامه‌نگاران در جهت تحقق هدف‌های سیاست‌های جهانی کشورهای بزرگ غربی، از طریق تدارک حملات نظامی آنها به کشورهای دیگر نیز از نیمه دوم قرن نوزدهم، نمونه‌های جنجال‌انگیزی ایجاد نموده بود که در میان آنها پرداخت کمک‌های مالی بیسمارک صدراعظم آلمان به برخی از روزنامه نگاران فرانسوی برای ترغیب آنان به گسترش مخالفت با سیاست‌های ناپلئون سوم امپراتور وقت فرانسه و ایجاد تزلزل در ارکان سیاسی و نظامی این کشور، به منظور تدارک حمله آلمان برای تصرف ایالت‌های "آلزاس" و "لرن" در سال ۱۸۷۰ از موارد بسیار معروف به شمار می‌رود. (مهاجرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲-۱۶۱)

دولت آمریکا نیز در جنگ داخلی و جنگ با اسپانیایی‌ها سعی در سانسور و مدیریت جریان اطلاعات داشت که البته در هر دوی آنها ناموفق بود. دولت انگلیس در جنگ «بوئر»^۱ زیرکی بیشتری از خود نشان داد و با ترفند بکار گرفتن گزارشگران به عنوان افسران نظامی، آنها را سرگرم رتق و فتق امور نظامی کرد. انگلیس همچنین انتشار اطلاعاتی را که می‌توانست برای دشمن ارزشمند باشد، محدود کرد. این روند در قرن بیستم نیز که جنگ تبدیل به یک پدیده همه گیر شد، ادامه یافت. انگلیس و فرانسه دسترسی خبرنگاران به خط

۱- دو جنگ بوئر (Boer) اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۰ تا ۱۸۸۱) و اوایل قرن بیستم (۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲) در بین بریتانیا و قبایل بومی سرزمین آفریقای جنوبی درگرفت. نیروهای انگلیسی هرچند در جنگ اول زمین گیر شدند، اما در جنگ دوم با وجود مقاومت بوئرها، عاقبت بریتانیا توانست نیروهای آنها را شکست دهد و بسیاری از بوئری‌ها را اردوگاه‌های کار اجباری بفرستد

اول جنگ جهانی اول را محدود کردند. پس از آن که این دو کشور دیدند آلمان با دعوت از روزنامه‌نگاران کشورهای بی‌طرف، احساس اعتماد عمومی را در کشورهای آنان دچار خدشه کرده، ناگهان از این استراتژی دست کشیدند. (Wahl-Jorgenson & Hanitzsch, 2009, P.388)

به طور کلی باید گفت، گزارش‌های که از مناطق جنگی توسط روزنامه‌نگاران تهیه می‌شد، نه تنها به تحکیم و تقویت صلح کمک نمی‌کردند بلکه گاهی هم آتش جنگ را شعله‌ورتر می‌کردند. در سال‌های اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیاری از مطبوعات جنجالی غربی در آمریکا و اروپا، برای جلب خوانندگان بیشتر، به انعکاس اخبار خشونت‌ها در صفحات خود پرداختند. افراط برخی از مطبوعات آمریکایی در بزرگ‌تر کردن واقعیت‌های جنگی و ایجاد نگرانی‌های بیشتر در افکار عمومی، نوعی عکس‌العمل منفی علیه روزنامه‌نگاران در آن کشور ایجاد کرد و در پی آن، بی‌اعتمادی خوانندگان نسبت به مطبوعات غربی افزایش یافت. در نتیجه از اواخر قرن نوزدهم به موازات گسترش مطبوعات پر تیراژ و پیشرفت رسانه‌های جدید، نقش مطبوعات در «رفع سوء تفاهم‌های بین‌المللی» و «لزوم مبارزه با اطلاعات نادرست و جلوگیری از تبلیغات مغرضانه» مورد توجه انجمن‌های حرفه‌ای مطبوعات غربی، قرار گرفت. (معتمد نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۹)

با تلاش و کوشش این انجمن‌ها، سخنرانی‌ها و مباحثه‌های فراوانی درباره آزادی جست‌وجو و پخش اخبار و جریان اطلاعات در جهان و هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و همین‌طور منافع مشترک آنها، صورت گرفت. (Martin, 1996, P66.)

در واقع، در سایه همین تلاش‌ها بود که شیوه تبادل اخبار و محتوای اخبار متحول شد و فعالیت‌های روزنامه‌نگاری ابعاد قاره‌ای یا بین‌المللی به خود گرفت. دگرگونی روش‌های مبادله اخبار و فعالیت‌های حرفه‌ای، باعث شد، میان روزنامه‌نگاران معمولی و روزنامه‌نگاران بین‌المللی یک مرز مشخص بوجود آید. این امر در جریان برگزاری کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های حرفه‌ای بین‌المللی پررنگ‌تر شد. گردهمایی‌هایی که، به محلی برای ایجاد یک هویت حرفه‌ای بین‌المللی تبدیل شدند.

مهم ترین این گردهمایی ها، که به «کنگره های مطبوعات» معروف شدند توسط دو سازمان جدید التاسیس مطبوعاتی غربی به نام های «کنگره بین المللی مطبوعات»^۱ و «کنگره جهانی مطبوعات»^۲ برگزار شدند. (معمد نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۰)

الف) اجلاسیه های «کنگره بین المللی مطبوعات»

اولین گردهمایی «کنگره بین المللی مطبوعات» در ژوئیه ۱۸۹۴ در بندر «آنور»^۳ بلژیک با حضور نزدیک به ۷۰ نماینده، از ۱۵ کشور اروپایی به علاوه نمایندگانی از آمریکا، آرژانتین و زلاندنو برگزار شد. (Anvers 1894,1995,P.5.) مهم ترین عاملی که باعث برگزاری این اجلاسیه شد «رشد تبادل اخبار و اطلاعات» بود.

از حدود بیست سال قبل از آن، مبادلات اخبار در اروپا و به خصوص در اروپای شمال غربی رشد یافته بود. این دوره ای است که در آن، بزرگترین مطبوعات خبری، در انگلستان، فرانسه و بلژیک در حال گسترش روز افزون است، تعداد روزنامه نگاران رو به فزونی است، خبرگزاری های جدید اروپایی یعنی «هاواس»^۴، «رویتر»^۵، «ولف»^۶ رو به گسترش هستند، گردش و جریان اخبار دگرگون شده است، روزنامه نگاری و گزارش نویسی توسعه فراوانی یافته است و روزنامه نگاران و گزارشگران بزرگ می کوشند تا اخبار را فراتر از مرزهای ملی دنبال کنند. در نتیجه، این تلاش ها باعث می شود تماس میان روزنامه نگاران حرفه ای در اروپای غربی و دیگر کشورهای دور و نزدیک، زیادتر شود.

در اجلاسیه «آنور» مسائل مهم مربوط به روزنامه نگاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از جمله این مباحث، آموزش تخصصی و حرفه ای روزنامه نگاران، تقویت مناسبات و همکاری های مطبوعاتی در سطح منطقه ای و جهانی، تاسیس سازمان های بین المللی مطبوعاتی، سازمان دهی انجمن های مطبوعاتی در کشورهای مختلف، تسهیل حمل

1 - International Press Congress
2 - Press Congress of the World
3 - Anvers
4 - Havas
5 - Reuter
6 - Wolff

و توزیع مطبوعات، ایجاد خطوط تلگرافی مستقیم بین مطبوعات، تدوین اصول اخلاقی و شرافت حرفه ای روزنامه نگاری و غیره بود. (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱)

موارد مذکور، در تصمیمات نهایی این اجلاس، مورد توافق شرکت کنندگان قرار گرفت.

این که چرا نخستین اجلاس «کنگره بین المللی مطبوعات» در «آنور» برگزار شد، دلیل آن این است که، روزنامه نگاران بلژیکی با روزنامه نگاران فرانسوی و انگلیسی مشترکاتی داشتند. همچنین بلژیک بیش از دو کشور دیگر مشتاق برگزاری اجلاس‌های کنگره‌های بین المللی در این کشور بود. این اشتیاق از حمایت‌های «اوگوست برناتر»^۱، نخست وزیر لیبرال کاتولیک آن دوره (۱۸۹۴ - ۱۸۸۴) بلژیک نشأت می گرفت که از این اجلاس حمایت مالی و معنوی می کرد. او که عضو شورای نظارت روزنامه لیبرال «له توآل بلژ»^۲ بود و مطبوعات را خوب می شناخت، به عنوان شخصیتی شناخته می شد که برای خلع سلاح و اتحاد اروپای آرام مبارزه می کرد. او در ۱۹۰۱ ریاست کنگره جهانی صلح در «گلاسگو»^۳ رابه عهده گرفت و در ۱۹۰۹ نیز جایزه صلح نوبل نصیب او شد.

بعد از اجلاس «آنور»، روزنامه نگاران و دیگر شرکت کنندگان، تصمیم گرفتند که این نوع اجلاس‌ها را هر ساله برگزار کنند، تا مسائل حرفه ای، بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گیرد. (Durance, 1925, P.15) به همین دلیل، اجلاس دوم در ۱۸۹۵ در «بوردو»^۴ فرانسه برگزار شد. در ۱۸۹۶ «بوداپست»^۵ میزبان شد. در اجلاس «بوداپست» شرکت کنندگان تصمیم به ایجاد «اتحادیه بین المللی انجمن‌های مطبوعات»^۶ گرفتند. این نخستین انجمن با گرایش جهانی بود که ریاست آن بر عهده «ویلهلم سینگر»^۷ مدیر روزنامه «نیوز وینر تاگلات»^۸ اتریش و یکی از با نفوذترین چهره‌های مطبوعات «وین»، گذاشته شد. او به

1 - Auguste Beernaert

2 - L'Etoile belge

3 - Glasgow

4 - Bordeaux

5 - Budapest

6 - l'Union internationale des associations de presse (UIAP)

7 - Wilhelm Singer

8 - Neues Wiener Tageblatt

مدت ده سال ریاست این اتحادیه را بر عهده داشت. این اتحادیه، در زمینه اصلاح قوانین بین المللی مربوط به مطبوعات، مالکیت ادبی، کنوانسیون های پست و تلگراف و به خصوص در زمینه تاسیس یک دفتر کاریابی (مرکز اشتغال) برای روزنامه نگارانی که می خواستند در خارج فعالیت کنند، تلاش های کرد.

اجلاس های بعدی «کنگره بین المللی مطبوعات»، با همکاری «اتحادیه بین المللی انجمن های مطبوعات» از ۱۸۹۶ تا ۱۹۱۴ هر سال به طور منظم در یکی از پایتخت ها یا شهرهای بزرگ کشورهای مختلف اروپایی ادامه یافتند و سپس به علت جنگ جهانی اول و عدم استحکام سازمان های حرفه ای بین المللی مطبوعات، دچار رکود و توقف شد. با این حال، اتحادیه مذکور تلاش کرد تا دوباره به این اجلاس ها حیات بدمد و با این هدف از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۶ اجلاس هایی را هر دو سال یکبار برگزار کرد. این اجلاس ها در ۱۹۲۷ در لندن، در ۱۹۲۹ در بارسلون، در ۱۹۳۲ در اسلو، در ۱۹۳۴ در آنور، در ۱۹۳۶ در پراگ تشکیل شد.

اتحادیه بین المللی انجمن های مطبوعاتی پس از برگزاری اجلاس پراگ و قبل از جنگ دوم جهانی از بین رفت.

به طور کلی، مزیت مهم، برگزاری این اجلاس ها، نزدیک کردن روزنامه نگاران کشورهای مختلف به یکدیگر و تشویق آنها به تحکیم صلح و پرهیز از انتشار اخبار دروغ و تحریک آمیز بود. به عبارتی، این اجلاس ها یک رابطه دائمی، فراملی و فراقاره ای میان روزنامه نگاران بوجود آورد که می توانست تجربیات ایشان را با یکدیگر مبادله کنند و از میزان پیشرفت مباحث حرفه ای در کشورهای دور و نزدیک خود مطلع شوند. همچنین، یکی از نتایج مهم کوشش های اجلاس های «کنگره بین المللی مطبوعات»، تاسیس «فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران» بود که در ۱۹۲۶ ایجاد شد. یکی از نکاتی ناگفته در باره این اجلاس ها هم، غیبت زنان روزنامه نگار در آنهاست.

ب) اجلاس های «کنگره جهانی مطبوعات»

به دنبال قطع فعالیت های «کنگره بین المللی مطبوعات» در ۱۹۱۴ به خاطر جنگ جهانی

اول در اروپا، سازمان مشابهی در ۱۹۱۵ در شهر «کلمبیا» در ایالت میسوری تاسیس شد. این سازمان که «کنگره جهانی مطبوعات»^۱ نام داشت، اساساً توسط روزنامه نگاران آمریکایی بوجود آمد، که بعداً چند کشور آنگلوساکسون نیز به آن اضافه شد. نخستین اجلاس آن در ۱۹۱۵ در «سان فرانسیسکو» برگزار شد. در حین برگزاری اجلاس یک نمایشگاه بزرگی نیز بر پا گردید. مدیریت این کنگره بر عهده «والتر ویلیامز»^۲ رئیس مدرسه روزنامه نگاری دانشگاه کلمبیا بود. این کنگره به شدت تحت تاثیر سیاست های ایالات متحده بود. اجلاس دوم این کنگره در ۱۹۲۱ در هاوایی برگزار شد که تعداد زیادی از روزنامه نگاران در آن حضور داشتند. «پس از این گردهمایی، مرکز فعالیت کنگره مذکور به شهر نیویورک منتقل شد و اداره امور آن در اختیار «جیمز براون»^۳ مدیر نشریه حرفه ای معروف «ادیتور اند پابلیشر»^۴ (سر دبیر و ناشر) قرار گرفت و به کوشش وی [سومین] گردهمایی عمومی کنگره، در سال ۱۹۲۶ در سویس تشکیل گردید.» (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۲)

مهم ترین موضوعات مطرح شده در این گردهمایی ها، کمک به تحکیم صلح جهانی بود و مدیران این کنگره عقیده داشتند که دیدارها و گفتگوهای روزنامه نگاران کشورهای مختلف جهان به توسعه تفاهم بین المللی، که از عوامل بسیار مهم حفظ صلح به شمار می رود، مساعدت می کنند. به همین لحاظ در سال های فعالیت کنگره، برنامه های گوناگونی برای دید و بازدید روزنامه نگاران آمریکایی و کشورهای خارجی، ترتیب داده شده بودند. (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳)

کنگره جهانی مطبوعات در ۱۹۲۶ تحت تاثیر تاسیس «فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران» از فعالیت باز ایستاد.

یادآوری می شود که پس از جنگ جهانی اول، «جامعه ملل» و «دفتر بین المللی کار» و بعدها «سازمان ملل متحد»، «یونسکو» و دیگر سازمان های بین المللی اقدامات مهمی در

1 - Congrès mondial de la presse

2 - Walter Williams

3 - James W. Brown

4 - Editor & Publisher

زمینه روزنامه نگاری بین المللی انجام داده اند. برگزاری کنفرانس ها و گردهمایی هایی مختلف و تصویب قطعنامه های متعدد توسط این سازمان ها از جمله این اقدامات هستند.

روزنامه نگاری بین المللی تحت سلطه رسانه های انگلیسی - آمریکایی

سلطه رسانه های انگلیسی - آمریکایی، قبل از هر چیز در منابع اولیه اخبار بین المللی که خبرگزاری ها هستند، محسوس است. به عبارتی، خبرگزاری های فراملی انگلیسی - آمریکایی (آسوشیتدپرس، یونایتدپرس اینترنشنال و رویترز) ضمن این که باعث سلطه جهانی اخبار شده اند، آنها یک نگرش نامتناسب از دیگر کشورها، بخصوص جهان سوم ارائه می دهند. (اسدی و علی آبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۲)

در میان خبرگزاری های بین المللی، خبرگزاری آسوشیتدپرس بزرگترین آنها به شمار می رود. مقر این خبرگزاری در نیویورک است. این خبرگزاری ۲۴۳ دفتر در ۹۷ کشور دارد. «بخش وسیعی از آنچه را که در صفحات بین المللی رسانه های سراسر جهان منتشر می شود» (Marthoz, 2006, P. 156)، این خبرگزاری تهیه می کند. خبرگزاری رویترز که مقر آن در لندن است، دومین خبرگزاری بین المللی است. این خبرگزاری بیشتر در زمینه اخبار اقتصادی و مالی فعالیت دارد. همچنین سلطه شبکه های خبری بین المللی با تاسیس شبکه های تلویزیونی «سی ان ان بین المللی»^۱ و «بی بی سی جهانی» ملموس تر شد. «سی ان ان» در ۱۹۸۵ و بی بی سی جهانی در ۱۹۹۱ تاسیس شدند. از میان روزنامه های بین المللی می توان به «اینترنشنال هرالڈ تریبون»، «فایننشال تایمز»، «وال استریت ژورنال» اشاره کرد، که حوزه فعالیت دو روزنامه آخر، امور مالی است. از بین مجلات بین المللی می توان از «اکنومیست»، «تایم مگزین» و «نیوزویک» یاد کرد. در میان رادیوهای بین المللی، رادیو «بی بی سی ورلد سرویس»، «رادیو اروپای آزاد / رادیو آزادی»، «رادیو صدای آمریکا» معروف ترین هستند. از بین رسانه های جدید هم می توان به «گوگل نیوز» و «باهو نیوز» اشاره کرد. به طور کلی باید گفت، بزرگترین گروه چند رسانه ای، آمریکایی هستند. گروه «تایم وارنر»، متعلق به «سی ان ان» و «تایم مگزین» است. گروه «رابرت مرداک» که

«فاکس نیوز»، «اسکای نیوز»، «وال استریت ژورنال» و «تایمز» را در اختیار دارد.

آنها نفوذ زیادی در میان مخاطبان به خصوص نخبگان اقتصادی و سیاسی در کشورهای مختلف دارند. بدین ترتیب «سی ان ان بین المللی» به لطف پوشش خبری خود از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ به مظهر رسانه‌های بین المللی تبدیل شده است. شبکه‌ی خبری «CNN»^۱ در یکم ژوئن ۱۹۸۰ توسط «تد ترنر»^۲ تأسیس شد. ترنر امپراتوری خبری خود را بر روی ویرانه‌های کسب و کار پدرش بنا کرد. در ابتدا، ایده تأسیس شبکه خبری ۲۴ ساعته و هفت روز در هفته، با تمسخر اطرافیان روبه‌رو شد، اما توجه افکار عمومی جهان برای نخستین بار در شب منتهی به ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ به این شبکه خبری جلب شد: «در آسمان بغداد خبرهایی است. انفجارهایی دیده می‌شوند.» این نخستین واژه‌های «برنی (برنهارد) شاو»، خبرنگار «سی ان ان» از پشت بام هتلی در بغداد بودند. جنگ دوم خلیج فارس (حمله‌ی آمریکا به عراق برای بیرون‌راندن این کشور از کویت) آغاز شده بود. (<http://www.dw-world.de/dw/article/.html>)

تیم خبرنگاری «سی ان ان» نخستین تصاویر را از این جنگ به سراسر جهان مخابره کرد. جنگ خلیج فارس مهم‌ترین تبلیغ برای «سی ان ان» شد و بحث‌ها در مورد پابندی این شبکه به «حقایق» یا «خبرسازی اغراق‌آمیز» نام این شبکه را هر روز بیشتر بر سر زبان‌ها انداخت.

اخبار ۲۴ ساعته این شبکه و آن‌هم به صورت پخش زنده «انقلاب سی ان ان» خوانده شد و رفتار سیاستمداران و رسانه‌ها را نیز دگرگون کرد. کارشناسان رسانه از این پدیده به نام «تأثیر سی ان ان» یاد می‌کنند. حتی برخی تا آنجا پیش رفتند که «سی ان ان» را به عنوان ششمین عضو شورای امنیت سازمان ملل مطرح کردند. به اعتقاد آنان در چنین فضایی

1 - Cable Network News

2 - Ted Turner

«ترنر» علاوه بر شبکه خبری، اکنون ۱۵ مرزعه‌ی پرورش بایسن (حیوانی شبیه به گاو میش) دارد و با داشتن ۵۰ هزار رأس از این حیوان، بزرگ‌ترین بایسن‌دار جهان به شمار می‌رود. او گوشت تولیدی این کسب و کار را در رستوران‌های زنجیره‌ای خود می‌فروشد.

رسانه‌ها آن‌چنان به رویدادها نزدیک می‌شوند و تبلیغات و ضدتبلیغات را بدون سانسور منتشر می‌کنند که کم‌کم خود نیز به بخشی از رویداد تبدیل می‌شوند. زیرذره بین بردن مداخله آمریکا در سومالی و وقوع فاجعه انسانی در آن کشور، در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را می‌توان از بهترین نمونه‌های «تأثیر سی ان ان» دانست، جایی که این شبکه خبری مخاطبان را پا به پای سربازان آمریکایی از مرزهای جنوبی عراق وارد این کشور کرد و تا بغداد و سقوط صدام حسین پیش برد. «سی ان ان» در حال حاضر ۳۶ دفتر در سراسر جهان، از جمله ۱۰ دفتر در آمریکا دارد، ۴ هزار فرصت شغلی تنها در ایالات متحده ایجاد کرده و به ۶ زبان در ۲۰۰ کشور به فعالیت مشغول است. چنین ظرفیتی پتانسیلی معادل ۱/۵ میلیارد مخاطب را در بر می‌گیرد. (<http://www.dw.-world.de/dw/article/html>) در دوره اخیر، میان «سی ان ان» و «الجزیره» در زمینه پوشش خبری جنگ عراق، یک «دوئل» صورت گرفت که به نظر می‌رسد ویژگی اصلی «چشم انداز رسانه ای بین المللی» است.

بر اساس نظر متخصصان ارتباطات، روزنامه «اینترنشنال هرالد تریبون» تنها روزنامه «جهانی» و حتی «رژمنای مطبوعات جهانی» است. از نظر این متخصصان، «اینترنشنال هرالد تریبون» «نفوذ قابل ملاحظه ای روی تصمیم گیران مسائل جهانی، دیپلمات‌ها و رسانه‌ها دارد. سرمقاله‌های این روزنامه تقریباً توسط نویسندگان آمریکایی نوشته می‌شود. این روزنامه هر روز حدود ده هزار نفر از مدیران و رهبران افکار عمومی در اروپا، آسیا و آمریکای لاتین را تحت نفوذ قرار می‌دهد. از طریق این کانال است که شبکه جهان وطنی با مارک آمریکایی، خود را تاسیس می‌کند.» (Marthoz, 2006, P. 55)

به نظر می‌رسد که روزنامه «فایننشال تایمز» در قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا، نفوذ زیادی روی تصمیم گیران دارد. حتی برخی بر این باورند که «فایننشال تایمز» آن «فایننشال تایمز»ی نیست که فقط در انگلستان خوانده می‌شود، بلکه «فایننشال تایمز»ی است که در مقیاس اروپا خوانده می‌شود. (Marthoz, 2006, P. 145)

مطالعات محققان نشان می‌دهد که سخنگویان کمیسیون اروپا «رسانه‌هایی را انتخاب

می‌کنند که با آنها رابطه ممتازی داشته باشند. رابطه «فایننشال تایمز» با آنها یک رابطه ممتاز است. به خاطر همین، این روزنامه تمام اخبار و اطلاعات مورد نظر را پیشاپیش از آنها دریافت می‌کند و سپس به عنوان «منبع خبری» برای دیگر رسانه‌ها ارائه می‌دهد. اخبار مهم و اصلی رسماً به هنگام «ملاقات‌های ناهار» تهیه می‌شود، در واقع، هنگامی که نشست و برخاست‌ها جریان دارد، قبلاً موضوعات و دستور جلسات به «فایننشال تایمز» داده شده است.» (Les medias, 2007, P.28)

به طور کلی باید گفت «آمریکا بیش از اخبار، ایده‌ها و چارچوب‌های تفسیر جهان را صادر می‌کند.» (Marthoz, 2006, P. 288) آمریکا در فضای بین‌المللی جایگاه ممتازی دارد. همان طوری که در زمینه مالی جایگاه انگلستان ممتاز است و به خصوص این که، این کشور، هنوز در زبان انگلیسی تفوق خود را حفظ کرده است.

البته، این وضعیت سلطه، با کیفیت ذاتی این رسانه‌ها گره خورده است که این کیفیت مورد توافق اکثر متخصصان ارتباطی است. این امر برای رسانه‌های دیگر کشورها به خصوص کشورهای اروپای غربی صدق می‌کند، آنها یک نقش بنیادی در اخبار بین‌المللی بازی می‌کنند. در همین راستا می‌توان گفت، خبرگزاری فرانسه یکی از نادر خبرگزاری‌های جهانی است. روزنامه‌هایی مانند «کورییر دلا سرا»، «ال پائیس»، «فرانکفورتر آلگمانیه زایتونگ»، «لوموند» به عنوان روزنامه‌های «مرجع» شناخته می‌شوند. شبکه‌های تلویزیونی مانند «الجزیره»، «یورو نیوز»، «فرانس ۲۴»، رادیوهایی همچون «دویچه وله»، «رادیو بین‌المللی کانادا»، «رادیو بین‌المللی فرانسه»، «رادیو بین‌المللی ایتالیا» و گروه‌های بزرگ چند رسانه‌ای مانند «برتلسمان آگ»^۱ آلمان، «آر.تی. ال»^۲، «استرن»^۳، «گروه مطبوعاتی پریسما»^۴ فرانسه جزء تاثیر گذاران به شمار می‌آیند.

1 - Bertelsmann AG

2 - RTL

3 - Stern

4 - Prisma

واکنش های متفاوت نسبت به سلطه خبری انگلیسی - آمریکایی

مساله سلطه رسانه های بین المللی غربی به خصوص رسانه های انگلیسی - آمریکایی موضوع جدیدی نیست. واکنش به این مساله از سال های ۱۹۷۰ به شکل های مختلف خود را نشان داد. البته زمینه های قبلی بروز این واکنش ها پدید آمده بود. «در دوره پس از جنگ دوم جهانی، تفوق سیاست بین المللی امریکا و مخصوصا نفوذ شدید آن در سازمان ملل متحد، باعث شده بود که مسایل مربوط به اطلاعات و ارتباطات در سطح جهان، در قالب ایدئولوژی ها و الگوهای خاص غربی، همچون «جریان آزاد اطلاعات» و «ارتباطات توسعه بخشی» مطرح شود. از ۱۹۴۸، که با زمینه سازی قبلی و پشتیبانی مستقیم آمریکا، «کنفرانس بین المللی سازمان ملل متحد درباره آزادی اطلاعات» (در ماههای مارس و آوریل آن سال) در ژنو برگزار گردید و «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در مجمع عمومی ملل متحد (در دهم ماه دسامبر همان سال) به تصویب رسید، براساس ماده نوزده این اعلامیه درباره آزادی اطلاعات، نظم بین المللی حاکم بر ارتباطات جهانی، بر مبنای «جریان آزاد اطلاعات» گذاشته شد.» (شن مک براید، ۱۳۶۹ ص ۱۱)

در واقع «جریان آزاد اطلاعات» در طول دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به صورت گفتمان غالب در عرصه بین المللی اطلاعات در آمد. از آنجایی که این جریان، تحت تاثیر «دیپلماسی فرهنگی» امریکا قرار داشت، لذا آمریکا با بهره برداری از آن، سعی می کرد تا الگوهای مورد نظر جامعه خود را به دیگر کشورهای جهان سوم تحمیل کند. این تلاش دولت امریکا، باعث شد تا در زمینه اطلاعات بین المللی و ارتباطات جهانی، نوعی سلطه بلامعارض بوجود آید، اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ «به دنبال گسترش جنبش های استعمار زدایی و استقلال طلبی در سرزمین های آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین و تحت تاثیر دگرگونی های بنیادی داخلی برخی از کشورهای متمدن و انقلابی جهان سوم و همبستگی های جهانی فزاینده آنها، آگاهی های عمیق تر و وسیع تری درباره میراث فرهنگی و ارتباطی استعمار قدیم غربی و شیوه های جدید سلطه جویی آن در دنیا پدید آمد؛ به طوری که از یک سو، در گردهمایی های علمی بین المللی متخصصان و محققان ارتباطات

و از سوی دیگر، در گردهمایی‌های جهانی هیات‌های نمایندگی دولت‌های دنیا سوم، برای شرکت در اجلاس‌های کنفرانس عمومی یونسکو و کنفرانس سران کشورهای جنبش غیرمتعهد نسبت به وضع نامطلوب اطلاعات و ارتباطات در ممالک در حال توسعه و فاصله روز افزون آنها در این زمینه با کشورهای غربی، صدای انتقاد و اعتراض برخاست. (مک‌براید، ۱۳۶۹ ص ۱۱)

نخستین اعتراض‌ها و انتقادهای علیه سوء استفاده کشورهای غربی به خصوص آمریکا از نظریه «جریان آزاد اطلاعات» در «سمپوزیوم «وسایل ارتباط جمعی و تفاهم بین المللی» مطرح شد. در این سمپوزیوم که در ۱۹۶۸ توسط یونسکو در یوگسلاوی سابق برگزار شده بود، محققان انتقاد نگر غربی و جهان سومی بر شکاف گسترده اطلاعات تبادل شده بین کشورهای پیشرفته و عقب مانده تاکید کردند و خواستار ایجاد یک «جریان متعادل اطلاعات» در جهان شدند. یک سال بعد، در گردهمایی دیگری که باز از سوی یونسکو اما این بار در کانادا برگزار شده بود، این انتقادهای شدت یافت و این بار به طور اخص، حول محور «جریان نامتعادل اطلاعات بین المللی، نظریه‌ها و الگوهای ارتباطی و همچنین شیوه‌های مطالعات و تحقیقات غربی درباره ارتباطات و عملکردهای یونسکو در این زمینه» می‌چرخید. (مک‌براید، ۱۳۶۹ ص ۱۳)

انتقادهای روز به روز ادامه می‌یافت و گردهمایی‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارها، به محل مناسبی برای ابراز دیدگاه‌های انتقادی در زمینه «جریان آزاد اطلاعات» تبدیل شده بودند. مهم‌ترین این انتقادهای در اجلاس‌های عمومی یونسکو ارائه شدند. «در شانزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، که در پاییز ۱۹۷۰ در پاریس برگزار گردید، برای نخستین بار، سیاست «جریان آزاد اطلاعات» از سوی تعدادی از دولت‌های عضو این سازمان مهم جهانی، مورد انتقاد و اعتراض واقع شد و همزمان با آن، الگوی «توسعه بخشی ارتباطات» که از طرف غربی‌ها به عنوان یک الگوی واحد و جهانی، برای اعمال در تمام کشورهای جهان سوم عرضه گردیده بود، نیز با معارضة جویی سیاست‌های ملی ارتباطی روبرو گردید. (مک‌براید، ۱۳۶۹ ص ۱۵) انتقاد شدید اللحن «آی.جی. گوجرال» وزیر وقت اطلاعات هند در جریان این اجلاس بسیار قابل توجه بود. تحت تاثیر همین فضای

انتقادی، قطعنامه ای درباره «اصول کاربرد وسایل ارتباط جمعی در روابط بین المللی» با پیشنهاد دولت شوروی به تصویب رسید که بر تحکیم صلح و تفاهم بین المللی و پرهیز از تبلیغات نژاد پرستانه و جنگ طلبانه، تاکید شده بود.

هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، که دو سال بعد یعنی در پاییز ۱۹۷۲ برگزار شد، تحت تاثیر انتقادهای روزافزون مربوط به عدم تعادل اطلاعات و نابرابری ارتباطات، گام های موثری را در جهت تامین خواسته های منتقدان برداشت. تصویب «اعلامیه مربوط به کاربرد ماهواره های پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی»، علی رغم مخالفت های شدید امریکا، مهمترین دستاورد این کنفرانس بود. در واقع «در این کنفرانس بین مفهوم افراطی جریان آزادانه اطلاعات از یک سو و مفهوم محدود کننده مبتنی بر رعایت دقیق اصل حاکمیت ملی از سوی دیگر، یک مفهوم میانه رو که از «حق استفاده از اطلاعات» هواداری می کرد، به خودنمایی پرداخت.» (کاظم و رویا معتمدنژاد، ۱۳۸۶ص ۳۹۸)

در هیجدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۷۴ ضمن اتخاذ تصمیمات جدید، برای اجرای قطعنامه ای مربوط به تهیه «طرح اعلامیه ای درباره اصول بنیادی کاربرد وسایل ارتباط جمعی به منظور تحکیم صلح، تفاهم بین المللی، مبارزه علیه تبلیغات جنگ طلبانه، نژاد پرستی و آپارتاید»، نتیجه گیری های مهمی در جهت مقابله با عقب ماندگی ارتباطی کشورهای جهان سوم بدست آمد.

نوزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۷۶ به صحنه برخوردهای سخت میان دولت های غربی، جهان سوم و کشورهای سوسیالیستی تبدیل شد. از مهمترین دستاوردهای این اجلاس، درخواست از مدیرکل یونسکو برای تشکیل یک کمیسیون بین المللی برای «بررسی مجموعه مسائل ارتباطات در جامعه معاصر» بود، که این کمیسیون یک سال بعد، کار خود را تحت نام «کمیسیون بین المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» آغاز کرد. این کمیسیون ماموریت داشت تا چهار مقوله مهم را مورد بررسی قرار دهد: «بررسی وضع موجود ارتباطات و اطلاعات در جهان»، «توجه به مسائل مربوط به جریان آزاد و متعادل ارتباطات در جهان»، «تجزیه و تحلیل جنبه های مختلف مسائل ارتباطات» و

تعیین نقش ارتباطات برای هوشیار سازی افکار در برابر مسائل مهم مورد برخورد جهان» (مک براید، ۱۳۶۹:۲۰) یک سال بعد نتایج اولیه بررسی‌های کمیسیون مذکور در بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۷۸ ارائه شد و مباحثات فراوانی برانگیخت. تا این که در این اجلاس، «اعلامیه یونسکو درباره اصول بنیادی مربوط به مساعدت و تسهیل ارتباط جمعی در تحکیم صلح، تفاهم بین المللی، پیشبرد حقوق بشر و مبارزه علیه نژاد پرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ» به اتفاق آرا به تصویب رسید. اهمیت این اعلامیه به این خاطر بود که برای نخستین بار یک سند بین المللی در جهت برقراری یک «نظم جهانی نوین عادلانه تر و موثرتر اطلاعات و ارتباطات» تصویب می شد. بیست و یکمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که در ۱۹۸۰ در بلگراد تشکیل شد، به بحث و بررسی درباره گزارش نهایی «کمیسیون بین المللی مطالعات درباره مسائل ارتباطات» پرداخت و در نهایت مورد تصویب قرار گرفت و در پی آن قطعنامه بسیار مهمی درباره «نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات» صادر شد. این قطعنامه «بر محو نابرابری و عدم تعادل ارتباطات و اطلاعات، محو آثار منفی بعضی انحصارهای عمومی و خصوصی و تمرکزهای افراط آمیز در زمینه ارتباطات، رفع موانع داخلی و خارجی جریان آزاد و انتشار گسترده تر و متعادل تر اطلاعات و افکار، تعدد مجراهای اطلاعات، آزادی مطبوعات و اطلاعات، آزادی فعالیت روزنامه نگاران و تفکیک ناپذیری این آزادی از مسئولیت آنان، توانایی کشورهای در حال توسعه برای بهبود وضع ارتباطات آنان در انطباق با نیازها و آرمان های ملی و...» تاکید کرده بود. (مک براید، ۱۳۶۹ ص ۲۴).

یادآوری می شود که مباحثات مربوط به «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» (نومیک) (NOMIC) در اجلاس های بعدی یونسکو نیز ادامه یافت و هر بار چشم انداز امیدبخشی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کرد تا این که پس از تغییر ریاست یونسکو، سیاست های این سازمان نیز از آرمان های اصلی دور شد و دوباره به سوی سیاست های غرب گرایانه، گرایش پیدا کرد.

ناگفته نماند که جنبش غیر متعهد ها نیز از زمان تاسیس، اقدامات مهمی را در مقابله با سلطه های جدید فرهنگی و ارتباطی انجام داد. تصمیماتی که در این زمینه، در کنفرانس

های سران این جنبش و وزیران اطلاعات آن، در فاصله بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ اتخاذ شد، حاکی از توجه این جنبش به مساله اطلاعات و ارتباطات و مقابله با امپریالیسم ارتباطی بوده است.

به طور کلی، طی دهه ۱۹۷۰ و اوایل سال های ۱۹۸۰، کشورهای در حال توسعه به خصوص جنبش غیرمتعهدها، سلطه جریان بین المللی اخبار توسط کشورهای غربی را مورد انتقاد قرار دادند و نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات موسوم به «نومیک» را مطرح کردند. آنها از عدم توازن در جریان بین المللی اخبار و اطلاعات پرده برداشتند، به طوری که در گزارش «مک براید» از آن به عنوان «دکترین جریان آزاد بین المللی اخبار» نام برده شد. معنای آن، این بود که غربی ها مفهوم جریان آزاد بین المللی اخبار و اطلاعات را با هدف دفاع از منافع اقتصادی رسانه های بزرگ خودشان مورد استفاده قرار می دهند. بر اساس نظریات آنها این عدم توازن ناشی از این است که کشورهای صنعتی همه خبرگزاری های جهانی، رادیو و تلویزیون های بین المللی و تکنولوژی های ماهواره ای و انفورماتیک را در اختیار دارند. در نتیجه، جریان اخبار بین المللی به معنای واقعی در اختیار کشورهای صنعتی است و سیل اخبار از این کشورها به سوی کشورهای جهان سوم روانه است و این جریان بین جنوب - جنوب یا برعکس بین جنوب - شمال جاری نیست.

تحقیقاتی که در همان زمان، توسط «تاپو واریس» و «کارل نوردنسترنگ» دو محقق فنلاندی انجام شد، نشان می داد که، بیش از ۸۰ درصد اخبار و اطلاعات پردازش و توزیع شده به کشورهای شمال و تنها ۲۰ درصد به کشورهای در حال توسعه تعلق دارد. علاوه بر آن، اخبار و اطلاعات مربوط به کشورهای در حال توسعه نیز، با رویدادهای دراماتیک (مانند، زلزله، کودتا، ترورهای سیاسی وغیره) در این کشورها مرتبط است. (اسدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶)

بالاخره این که، کشورهای در حال توسعه معتقد بودند که سلطه فرهنگی و ایدئولوژیکی جهان غرب از طریق برنامه های خبری و سرگرم کننده گسترش می یابد، چون این برنامه ها ارزش های غربی را منتقل می کنند و منجر به از بین رفتن حاکمیت ملی ایشان می شود و هویت ملی آنها را تهدید می کند. بدین ترتیب آنها در این زمینه، روی

«استعمار زدایی اخبار» و بازشناسی تنوع ملل، فرهنگ‌ها و تکنولوژی‌ها تاکید می‌کردند. نگرش آنها در گزارش کمیسیون مک‌براید در ۱۹۸۰ منتشر و پیشنهادهایی در قالب خواسته‌های کشورهای در حال توسعه ارائه گردید.

«نومیک» و گزارش مک‌براید واکنش‌های بسیار زیادی از سوی کشورهای غربی برانگیخت، به خصوص این کشورها این نگرانی را مطرح می‌کردند که ممکن است آزادی اخبار و اطلاعات و جریان ارتباطات با ایجاد مقررات محدودکننده و کنترل حکومت‌ها، محدود شود.

آمریکا و انگلستان از جمله کشورهای بودند که واکنش‌های بسیار شدیدی به این موضوع نشان دادند و به همین دلیل بود که آنها به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ از یونسکو خارج شدند.

در این دوره، پرچمدار مخالفت با «نومیک»، «کمیته جهانی آزادی مطبوعات»^۱ بود. بحث بر سر یک گروه فشار مطبوعاتی است که در واکنش به مباحث مربوط به «نومیک» تاسیس شد. این کمیته تعداد زیادی از سازمان‌ها و نمایندگان مطبوعات آمریکایی را دور خود جمع کرده بود. مباحث مربوط به «نومیک» در ۱۹۸۷ با «پیروزی» چریک‌های «جریان آزاد» کامل شد و این پیروزی با عدم تمدید ریاست «احمد مختار امبو» در مدیرکلی یونسکو، آشکارتر شد. «مختارامبو» در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۷ مدیرکل یونسکو و مدافع و مسئول اصلی مباحثات مربوط به «نومیک» بود.

از سال‌های ۱۹۹۰ سلطه رسانه‌ای انگلیسی - آمریکایی و به خصوص پدیده «سی‌ان‌ان» شکل دیگری از مجادلات و مباحثات را برانگیخت و این امر توجه بسیاری از کشورها را به ضرورت تاسیس یک شبکه تلویزیونی با پخش بین‌المللی معطوف کرد. بدین ترتیب، از این پس دو گرایش جدید در زمینه جریان بین‌المللی اخبار بوجود آمد.

نخستین گرایش متعلق به دولت‌های بود که با یک منطق نفوذ سیاسی و فرهنگی، می‌خواستند یک شبکه خبری بین‌المللی در اختیار داشته باشند. دولت‌های که یک سیاست

1- World Press Freedom Committee (WPFC)

خارجی فعال داشتند در این زمینه به تدریج ضرورت داشتن یک شبکه خبری ملی از نوع «سی ان ان» را احساس می کردند. بنابراین آنها رسانه های خبری خاص خود را با گستره بین المللی و به عنوان ابزار سیاست خارجی و نماد قدرت و نفوذ خود تاسیس کردند. در همین راستا شبکه های خبری بین المللی که از سوی این کشورها از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاسیس شدند، عبارت بودند از:

شبکه «تی وی ای اینترنشنال»^۱ در ۱۹۸۹ توسط دولت اسپانیا، «دویچه وله»^۲ در ۱۹۹۲ بوسیله آلمان، «آر ای آی ایتالیا»^۳ در ۱۹۹۵ توسط ایتالیا، «ان.اچ.کی ورلد»^۴ در ۱۹۹۵ توسط ژاپن، «سی.سی.تی.وی اینترنشنال»^۵ در ۲۰۰۰ توسط چین، «روسیه تودی تی وی»^۶ در ۲۰۰۵ توسط روسیه، «فرانس ۲۴»^۷ در ۲۰۰۶ توسط فرانسه تاسیس شدند.

ایده «فرانس ۲۴» در اصل از آن «ژاک شیراک»، رئیس جمهور سابق فرانسه است از نظر شیراک و بسیاری از نخبگان فرانسه، اطلاع رسانی و خبرپراکنی در عرصه بین المللی بیش از پیش به انحصار شبکه های متعلق به حوزه آنگلو ساکسون (آمریکایی و انگلیسی) درآمده و فرانسه در این زمینه در حال به حاشیه رانده شدن است. رهبران الیزه و نیز شماری از محافل فرهنگی و سیاسی فرانسه به این درک رسیده بودند که افکار عمومی جهان را باید از منظر فرانسوی آگاه کرد و ارزش هایی مانند لائسته را هم باید بیش از پیش تبلیغ و ترویج کرد. به ویژه جنگ آمریکا و انگلستان علیه عراق و کم بازتاب ماندن موضع مخالف پاریس از جمله عواملی بود که رهبری فرانسه را در به راه انداختن فرانس ۲۴ جدی تر کرده است.

برای نخبگان سیاسی و رسانه ایی فرانسه که هنوز هم برای شان و اعتبار بین المللی زبان کشورشان اهمیت بالایی قائلند البته آسان نبوده که غیر مستقیم به تفوق زبان انگلیسی در

1 - TVE International

2 - Deutsche Welle

3 - RAI Italia

4 - NHK World

5 - CCTV International

6 - Russia Today TV

7 - France 24

دنیا اذعان کنند و برای اشاعه و تبلیغ درک و نگاه فرانسوی از تحولات جهان، دست به دامن زبان رقیب شوند. علاوه بر این، نگرانی پاریس از محدود شدن نفوذ فرهنگی و سیاسی فرانسه در حوزه خاورمیانه انگیزه‌ای بوده که تاسیس «فرانس ۲۴» را در دستور کار قرار داد. «ژان دیوید لویت»^۱ و «ژرژ مارک بنهامون»^۲ منطق تاسیس رادیو و تلویزیون‌های خارجی را مورد بررسی قرار داده اند و معتقدند رادیو و تلویزیون خارجی فرانسه دو رسالت عمده را دنبال می‌کند:

نخست، رسالت نفوذ قدرت فرانسه در جهان و رقابت با دیگر رسانه‌های بزرگ بین‌المللی از جمله «سی‌ان‌ان» یا «الجزیره» و گسترش «نگاه فرانسوی به رویدادهای روز» و همین‌طور تولید تصاویر و ایماژها به شیوه آزاد.

دوم، رسالت فرهنگی مبتنی بر ارتقاء و ترویج ارزش‌های فرانسوی، به خصوص در کشورهای فرانسوی‌زبان و به‌طور کلی پراکندن فرهنگ فرانسه در نقاط مختلف جهان و به عبارت دیگر «نفوذ ما در دیگران» (www.RFI.fr) اکثر کشورها یک چنین نگرش و هدفی را با تاسیس شبکه‌های بین‌المللی دنبال می‌کنند. مثلاً «دویچه وله» به عنوان «رادیو و تلویزیون آلمان» رسالت‌های خود را چنین تعریف کرده است «ابلاغ دیدگاه‌های آلمان و چشم‌اندازهای جهانی» و «ارائه فرهنگ آلمان و اروپا» و «استفاده از اعتبار آن برای ارتقاء وجهه آلمان در سراسر جهان» (www.dw-world.de)

دومین گرایش به دولت‌های تعلق داشته و دارد که در چارچوب یک منطق بسیار سیاسی می‌کوشند با تاسیس یک شبکه خبری بین‌المللی به‌طور آشکارا علیه هژمونی رسانه‌ای انگلیسی - آمریکایی مبارزه کنند. این امر به خصوص در مورد جهان عرب، در خاورمیانه و در آمریکای لاتین صادق است. نمونه بسیار بارز آن شبکه الجزیره در قطر است، که در ۱۹۹۶ تاسیس شد و نسخه انگلیسی آن هم ده سال بعد بوجود آمد. الجزیره با انتشار فیلم‌های اسامه بن لادن و با پوشش جنگ افغانستان و به خصوص جنگ عراق خود

1 - Jean David Levitte

2 - Georges Marc Benhamon

را به جهانیان شناساند. مجله نیوزویک در تحلیلی ارزیابی می کند که الجزیره در جنگ عراق همان کاری را انجام داد که «سی ان ان» در طول جنگ خلیج فارس انجام می داد، یعنی توانست «نخستین منبع جهان خبر» شود. (Le Monde, 5 Avril 2003) آن به «صدای آلترناتیو جنوب و به عنوان یک نوع میراث آرمان های «نومیک» تبدیل شده است. در سایت اینترنتی آن، این شبکه خود را چنین تعریف کرده است: «الجزیره انگلیسی به موضوعاتی می پردازد که دیگر شبکه ها نمی توانند پردازند. به خاطر این که «صدای جنوب» است که مقر آن در قلب خاورمیانه است. الجزیره ۷۰ دفتر خبری در جهان دارد. این شبکه مناطق و رویدادهایی را مورد پوشش قرار می دهد که توسط دیگران به اندازه کافی پوشش داده نمی شوند.» (www.english.aljazeera.net)

«اولفا لملوم»^۱ در کتاب «الجزیره، آیین شورش و ابهام جهان عرب» می نویسد که این شبکه «جریان اخبار را تغییر داده و این بار جریان اخبار از جنوب و به طور مستقیم از جهان عرب نشأت گرفته است. الجزیره برنامه های ارائه می دهد که ایدئولوژی نهفته در آن نسبت به رسانه های غربی، نه زیاد و نه کم است، بلکه آن دیدگاه های مردم تحت سلطه در خاورمیانه را بازتاب می دهد و بنابراین خود را بهتر با تقاضاها و خواسته های مردم این منطقه وفق داده است.» (Lamloum, 2004, P.96)

با این حال الجزیره تنها شبکه تلویزیونی بین المللی در جهان عرب نیست، چون که در این جا شبکه های تلویزیونی دیگری چون، ابو ظبی، العربیه یا «مدی سات»^۲ (مستقر در تانزه مراکش) وجود دارند. ایالات متحده در ۲۰۰۴ در صدد برآمد با ایجاد شبکه «الحره» یک شبکه رقیب برای الجزیره بوجود آورد تا اخبار خود را به زبان عربی منتشر کند، اما موفق نشد.

یادآوری می شود که، شبکه های تلویزیونی بین المللی به زبان عربی برنامه هایی دارند مانند: بی بی سی عربی، یورونیوز، فرانس ۲۴ و حتی روسیه یک شبکه ویژه برای پخش

1 - Olfa Lamloum

2 - Medi I Sat

زنده برای جهان عرب تاسیس کرده که نام آن «روسیه الیوم» است. این امر نشان می‌دهد که جهان عرب یکی از اهداف ممتاز و عالی در استراتژی نفوذ رسانه‌های بین‌المللی است. تجربیات شبیه‌الجزیره، در امریکای لاتین نیز عملی شد. در سال ۲۰۰۵ با ترغیب رئیس جمهور ونزوئلا «هوگو چاوز» و با حمایت چند کشور آمریکای لاتینی شبکه تلویزیونی «تله سور»^۱ تاسیس شد. هدف این شبکه آن طوری که رئیس آن «آندرس ایزارا»^۲ (وزیر سابق ارتباطات ونزوئلا) گفته است «هجوم به نظم بین‌المللی ارتباطات، حمله علیه امپریالیسم فرهنگی و امپریالیسم در هر شکل آن»، (Latin Reporters.com, 25 juillet, 2005) این شبکه یک موافقت‌نامه همکاری با الجزیره در سال ۲۰۰۶ امضا کرد.

بالاخره این که در سال ۲۰۰۷ ایران شبکه خبری بین‌المللی خاص خود را به زبان انگلیسی به نام «پرس تی وی» تاسیس کرد، که هدف آن «در هم شکستن سلطه رسانه‌های غربی روی رسانه‌های جهان، انعکاس و بیان دیدگاه‌های فراموش‌شده بخش عمده‌ای از مردم جهان، فراهم آوردن زمینه و پلی برای درک متقابل فرهنگ‌های گوناگون جهان، تشویق و ترغیب ملل و اقوام مختلف بشر با دیدگاه‌ها و اعتقادات دینی مختلف به برقراری ارتباط با یکدیگر» است. همچنین پرس تی وی «تلاش می‌کند موضوعات و خبرهای ناگفته کسانی را که از نزدیک اهمیت و گوناگونی شکاف‌های فرهنگی و سیاسی را تجربه کرده‌اند، به نظر مخاطبان برساند.» (<http://www.presstv.ir>)

بنابراین رسانه‌های بین‌المللی همزمان روابط قدرت بین‌المللی و مساله قدرت را بازتاب می‌دهند. این چیزی است که همزمان سلطه رسانه‌های آمریکایی و خواسته «قدرت‌های بزرگ» را توضیح می‌دهد. خواسته دولت‌های خاورمیانه و امریکای لاتین این است که رسانه‌های آنها به ابزارهای مبارزه با سلطه جهانی و به اصطلاح ابزار «ضد هژمونی» تبدیل شود. یک مساله اساسی دیگر برای رسانه‌های بین‌المللی نفوذ ایدئولوژیکی و فرهنگی است، که آنها می‌خواهند هم روی نخبگان جهانی تاثیر بگذارند،

1 - TeleSUR

2 - Andres Izarra

نخبگانی که اصولاً از طریق این واسطه ها (رسانه ها) مطلع می شوند و هم روی افکار عمومی به خصوص «خیابان های جهان عرب» نفوذ کنند.

امروز دولتی که بخواهد روی جریان جهانی سازی و همین طور روی هر آن چه که در این زمینه ذی نفع هست، نفوذ داشته باشد، باید رسانه های خبری بین المللی خاص خود و نفوذ «رادیو و تلویزیونی» خود را در اختیار داشته باشد.

بالاخره این که توسعه رسانه های آلترناتیو در کنار «سی ان ان» و دیگر رسانه های بزرگ آمریکایی، باعث می شود یک سیستم ارتباطات بین المللی آزاد تر، دقیق تر، موثرتر و متوازن تر بوجود آید، که در این صورت هدف اصلی گزارش مک براید بهتر درک خواهد شد.

جایگاه روزنامه نگاران ایرانی در معادلات بین المللی

چنان که گفته شد، در جهان امروز، روزنامه نگاران بین المللی نقش اساسی در تحولات بین المللی و ارتباطات میان کشورها ایفا می کنند. آنها با نشر افکار و عقاید خود و حتی گاهی از طریق گفت و گو با مقامات خارجی و بین المللی و ارائه ی شمه ای از فضای موجود در کشورها، بر مذاکرات میان مقامات آن ها تاثیر می گذارند؛ این در حالی است که، میزان تبادل اطلاعات بین روزنامه نگاران ایران و جهان در حد قابل قبولی نیست. روزنامه نگاران در ایران، اغلب بر روی مسایل داخلی متمرکز بوده و از پوشش مستمر، مداوم و به موقع اخبار بین المللی و یا حتی منطقه یی غافل هستند. به بیان دقیق تر، کشور ما در حال حاضر فاقد روزنامه نگارانی متخصص و معرب در حوزه های خاص بین المللی است. روزنامه نگاری ایران به دلایل مختلف قادر به حضور در عرصه های بین المللی نیستند. این امر نشان می دهد که روزنامه نگاران ایرانی هنوز نتوانسته اند اعتماد جهانی لازم را برای تبادل اخبار، اطلاعات و تحلیل و تفسیرهای موجود پیرامون مسائل و شخصیت های سیاسی جهان از سوی رسانه های دیگر کسب کنند. به عبارتی، هنوز روزنامه نگاران ایرانی در معادلات بین المللی و حتی منطقه ای جایگاهی کسب نکرده است، محافل سیاسی و دیپلماتیک داخلی و خارجی اعتباری برای گفته ها و نوشته های آنها قائل نیستند. دیدگاه

ها، نظریات و عقاید روزنامه نگاران ایرانی درباره مسائل بین المللی، در داخل و خارج، زیاد جدی گرفته نمی شوند. حتی نگاه و باور دولتمردان ایرانی نسبت به تحولات بین المللی و همین طور تحولات داخلی، متأثر از افکار و اندیشه های روزنامه نگاران دیگر کشورهاست.

این مساله برای رسانه ها و روزنامه نگاران کشور ما یک ضعف بزرگ به شمار می آید. همین ضعف باعث شده است که روزنامه نگاران ایرانی نتوانند رویدادهای جهانی را به طور مناسب و به موقع پوشش دهند و در روند رویدادها و همین طور بر افکار عمومی جهانی تاثیر گذار باشند.

به طور کلی می توان دلایلی را بر شمرد که مانع بین المللی شدن روزنامه نگاران ایرانی شده است. که عبارتند از:

۱. نداشتن توانایی و تخصص در حوزه مورد فعالیت

روزنامه نگاران ایرانی، در حوزه مورد فعالیت خود، اطلاعات وسیع و گسترده ندارند. شناخت آنها از مخاطبان به خصوص شخصیت های مهم بین المللی و همین طور در مورد فرهنگ، آداب و رسوم، نیازها، داشته ها و تمدن دیگر کشورها سطحی است. آنها در این زمینه تنها به اطلاعات سطحی منتشره در روزنامه ها اکتفا می کنند و بر خلاف همکاران بین المللی ایشان، اقدامی در جهت عمق بخشیدن به دانسته ها خود و پی بردن به زوایای تاریک و پنهان رویدادها، از طریق رجوع به کتب و منابع معتبر و علمی نمی کنند. حال و حوصله فراوانی برای مراجعه به آرشیوها و تامل در پیشینه رویدادها ندارند. در نتیجه، نه می توانند جهت دهی خبری داشته باشند و نه می توانند بر مخاطبان خارجی تاثیر بگذارند.

۲. نداشتن آموزش حرفه ای

روزنامه نگاران بین المللی برای به روز کردن دانش حرفه ای خود به طور مستمر آموزش می بینند. در حالی که روزنامه نگاران ایرانی فرصت، میل، رغبت و امکانات کافی برای آموزش حرفه ای ندارند. مثلاً در فرانسه سردبیران و دبیران روزنامه های مهم آن کشور، برای یادگیری روش های نوین و پیشرفته روزنامه نگاری، اشتیاق فراوانی نشان می

دهند و حاضر هستند تمامی هزینه ها را پرداخت کنند، اما در ایران سردبیران و دبیران سرویس های خارجی و بین الملل، دچار نوعی توهم خود استغنائی هستند و برای کسب دانش و تجربه نوین، تمایلی برای شرکت در کارگاه های آموزشی حرفه ای ندارند. در حال حاضر، برخی روزنامه نگاران داخلی، حتی از لحاظ نگارش فارسی نیز دارای مشکل هستند، حال چگونه می توان انتظار داشت که چنین افرادی بتوانند در سطح بین المللی موفق عمل کنند. به طور کلی، روزنامه نگاران ایرانی، وضعیت روزنامه نگاری بین المللی، شیوه های روزنامه نگاری و نحوه به کارگیری تازه های این علم در رسانه های خارجی را رصد نمی کنند و به شیوه های سنتی تفکر و عمل می کنند.

۳. ناآشنایی به یک یا چند زبان خارجی

روزنامه نگاران ایرانی با زبان های خارجی ناآشنا هستند. در حالی که روزنامه نگاران بین المللی به یک یا چند زبان خارجی تسلط کامل دارند و اخبار و اطلاعات را به زبان های اصلی دریافت و مورد بررسی قرار می دهند و این امر، بر تحلیل ها و تفسیرهای آنها عمق و غنای فراوانی می بخشد.

اکثر کسانی که در سرویس های خارجی و بین الملل روزنامه های ایران مشغول فعالیت هستند، فارغ التحصیل رشته های زبان های خارجی هستند تا روزنامه نگاری. در سرویس های خارجی « بدون توجه به حقوق بین المللی چاپ، ترجمه و چاپ مطالب خارجی به آسانی صورت می گیرد. در روزنامه های بزرگ تهران، ترجمه و ادغام مطالب تلکس های بین المللی و مقالات روزنامه ها و مجله های خارجی و حتی کتاب ها امری عادی و معمول است... گرچه ترجمه تلکس ها و مقالات چاپ شده در مطبوعات خارجی و ترجمه کتاب خاطرات دولتمردان کشورهای دیگر می تواند ناقل دیدگاه ها و سیاست های رهبران این کشورها باشد، ولی به طور ناخودآگاه مبلغ سیاست های آنان نسبت به کشورهای در حال توسعه نیز هستند.» (بدیعی، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲، ص ۵۵-۴۶)

۴. عدم اعزام روزنامه نگاران ایرانی به مناطق بحران خیز

حضور روزنامه نگاران ایرانی در کانون های خبری کم رنگ است. عدم اعزام روزنامه نگار به کانون های خبری باعث می شود که روزنامه نگاران ایرانی نتوانند نحوه تحلیل و

تفسیر، خبرنگاری، گزارشگری و انعکاس مطلوب رویدادها را بیاموزند و به عنوان یک تولیدکننده خبری در حوزه‌های بین‌المللی وارد عرصه شوند. همچنین عدم اعزام روزنامه نگاران موجب می‌شود که هیچ ارتباط حرفه‌ای میان روزنامه‌نگاران ایرانی و بین‌المللی پدید نیاید و روزنامه نگاران ایرانی نتوانند از تجربیات و دانش آنها برای بالا بردن توان حرفه‌ای خود استفاده کنند.

ضعف مالی و اقتصادی رسانه‌ها به خصوص مطبوعات از جمله دلایلی است که مطبوعات داخلی را چنان به خود مشغول کرده که فرصت توجه به مسایلی از قبیل کسب تجربیات بین‌المللی را از آنها گرفته است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مواردی، اقدام به اعزام برخی روزنامه نگاران داخلی به برخی کشورهای اروپایی و آسیایی برای کسب تجربه‌های بین‌المللی کرده است، اما اصولاً کسانی به این سفرها رفته‌اند که جزء روزنامه نگاران زبده نبوده و حتی از تجربه، سواد و دانش کافی روزنامه‌نگاری هم برخوردار نبوده‌اند و همچنین از آشنایی با یک زبان خارجی هم بی‌بهره بوده‌اند و تنها بر اساس گرایش‌های حزبی، عاطفی، سیاسی و غیره اعزام شده‌اند. بنابراین، چنین سفرها بیشتر توریستی بوده است تا یک سفر حرفه‌ای. زیرا علی‌رغم صرف هزینه‌های فراوان مالی برای چنین سفرهایی، افراد اعزامی نتوانسته‌اند به نحو موثر و مطلوبی در فضای رسانه‌ای و مطبوعاتی کشور تاثیرگذار باشند.

این را هم باید افزود: اعزام روزنامه نگاران به خارج از سوی یک نهاد دولتی، استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاران را در سطح بین‌المللی مورد تردید قرار می‌دهد و فرصت‌های آموزشی و کسب تجربه را از آنها می‌گیرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید شرایطی را فراهم کند تا روزنامه نگاران داخلی بتوانند در دوره‌های آموزشی بین‌المللی مانند یونسکو شرکت کنند و یا کارگاه‌های آموزشی حرفه‌ای مشترک با سازمان‌های معتبر بین‌المللی روزنامه‌نگاری برگزار کنند. در کشورهای غربی، متولیان اصلی اعزام روزنامه نگار به دیگر کشورها، بنگاه‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای و انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری هستند.

۵. عدم مبادله تجربیات حرفه ای میان روزنامه نگاران ایرانی و خارجی

بین روزنامه نگاران ایرانی و همتایان خارجی آنها همکاری حرفه ای دیده نمی شود. در حالی که رسانه های بزرگ و تاثیرگذار با یکدیگر تفاهم نامه های همکاری در جهت ارتقاء کیفی حرفه ای و تبادل تجربه امضاء می کنند. حتی بسیاری از این تفاهم نامه ها بین رسانه ها و سازمان های بین المللی و موسسه ها علمی و آموزشی امضاء شده است. بین مطبوعات داخلی و مطبوعات خارجی تفاهم نامه های همکاری امضاء نمی شود. زیرا مدیران مطبوعات ایرانی و همین طور مسئولان رسانه ایی کشور شناخت عمیق از فعالیت های رسانه های تاثیرگذار بین المللی ندارند. اگر از سوی مطبوعات ایران در برقراری این گونه ارتباط های حرفه ای با روزنامه نگاران بین المللی، تلاش شود، می تواند به تبادل تجربیات و افکار و اندیشه های یکدیگر در جهت ارتقای فعالیت ها منجر گردد.

۶. نداشتن دفاتر خبری در کشورهای دیگر

ایجاد دفاتر خبری در خارج از کشور را از راه های دیگر کسب تجارب بین المللی محسوب می شود. چنین دفاتری در خارج از کشور، به روزنامه نگاران فعال کمک می کند تا با نگاه های متفاوت به ابعاد مختلف وقایع، تحلیل هایی مناسب را ارایه کنند. هیچ کدام از مطبوعات ایران، در کشورهای خارجی به خصوص کشورهایی که کانون های خبری به شمار می آیند، دفاتری ندارند.

۷. فقدان رسانه های مرجع خبری

مطالعات نشان می دهد که نبود رسانه ای حرفه ایی در سطح بین المللی و یا حتی منطقه ایی در کشوری که کانون خبری است، نمی تواند بر افکار عمومی جهانی تاثیر بگذارد. نبود مطبوعات موثر در عرصه ی بین المللی و یا حتی منطقه یی و همچنین کمبود روزنامه نگاران حرفه ایی آموزش دیده برای فعالیت در خارج از کشور، از جمله عواملی است که روزنامه نگاران ایرانی را در کشورهای خارجی به خصوص در نزد مقامات تاثیر گذار خارجی با چالش روبه رو کرده است. صاحب منصبان و متنفذان خارجی بیشتر به رسانه های توجه دارند که در کیوسک های بین المللی جایی داشته باشند. اگر چه یکی از موانع ظهور رسانه های مرجع در ایران، زبان است، اما مطبوعات انگلیسی زبان ایران نیز هنوز

نتوانسته اند جایگاه بین المللی خود را دریابند. امروز، این مطبوعات تنها در کیوسک‌های داخل کشور به دیده می‌شوند تا در کیوسک‌های بین المللی. به طور کلی، عدم انتشار مطبوعات به زبان‌های مهم خارجی و عدم توزیع نشریات انگلیسی زبان ایران در سطح بین المللی دو مانع عمده در تبدیل شدن روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران ایرانی به «مرجع خبری» است.

۸. عدم جلب اعتماد رسانه‌ها و محافل سیاسی دیگر کشورها برای تبادل اخبار و افکار روزنامه‌نگاران ایرانی هنوز نتوانسته‌اند، در حوزه فعالیت خود شرایطی را ایجاد کنند که رسانه‌ها و محافل سیاسی جهانی به آنها اعتماد داشته باشند و در انتقال اخبار، اطلاعات و به‌ویژه تحلیل و تفسیر پیرامون مسائل و شخصیت‌های سیاسی جهان به تبادل و تعامل بپردازند. وابستگی روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران به دولت، در ایجاد بدبینی نسبت به روزنامه‌نگاران ایرانی بی‌تاثیر نبوده و نیست. روزنامه‌نگاران ایرانی زمانی می‌تواند از سوی دولتمردان و شخصیت‌های جهانی پذیرفته شوند که توانایی و استقلال خود را در نحوه تهیه خبر، تفسیر خبر و بالاخره چگونگی انتشار خبر و درجه آزادی انتقال اطلاعات موجود در آن، به اثبات برسانند.

۹. رقابت شدید میان رسانه‌های خارجی

روزنامه‌نگاری در جهان امروز، بیش از هر چیز بر رقابت استوار است. از آنجا که مخاطبان امروز رسانه‌ها، به عنوان مشتریان آن‌ها به دنبال اخباری هستند که نیازهای اطلاعاتی‌شان را برطرف کنند؛ رقابت در عرصه‌ی خبر و تولید اطلاعات به مهمترین دغدغه دست‌اندرکاران رسانه‌ها در جهان تبدیل شده است، که متأسفانه عرصه روزنامه‌نگاری امروز کشور، به طور کلی فاقد یک نگاه رقابتی بوده است. روزنامه‌های داخلی، از نظر تیراژ، تولید اخبار و اطلاعات، کیفیت خبری، ابزارهای توزیع و غیره، توان رقابت با روزنامه‌های سایر کشورها را ندارند. روزنامه‌نگاران ایرانی در این میان باید با استفاده از فرصت‌های موجود در سایر کشورها، مانند آشنایی با تکنولوژی و دانش روز روزنامه‌نگاری و بهره‌گیری از تجربیات روزنامه‌نگاران آن‌ها، به این فضای رقابتی وارد شوند.

۱۰. روابط سیاسی بین کشورها

روابط سیاسی بین کشورها در میزان و نحوه فعالیت روزنامه نگاران بین المللی تاثیر دارد. هر چقدر این روابط دوستانه باشد روزنامه نگاران این کشورها، به راحتی از کشور خود به کشور دوست تردد می کنند و به راحتی در آنجا فعالیت های حرفه ای خود را انجام می دهند. عکس این قضیه نیز صدق می کند، هرچه روابط دو کشور خصمانه باشد به همان اندازه، در ورود و خروج روزنامه نگاران سختگیری می شود، به راحتی ویزای آنها تمدید نمی گردد، حتی در مواردی به آنها ویزا و مجوز فعالیت داده نمی شود، یا آنها را اخراج می کنند، یا مورد تهدید و ارباب و تحت فشار قرار می دهند که اقدام به سانسور یا خودسانسوری کنند. از آنجایی که در سال های اخیر، مناسبات و روابط کشورهای غربی با ایران از سطح مطلوبی برخوردار نبوده، بنابراین، روزنامه نگاران ایرانی به سختی، در این کشورها فعالیت خود را ادامه داده اند. مثلا آمریکا برای خبرنگاران صدا و سیما، به جای ویزای «I» یعنی ویزای خبرنگاری، ویزای «C۲» صادر می کند، که این نوع ویزا به گروه های هواپیمایی، کشتی رانی یا گروه هایی که قصد حضور کوتاه مدت یا ترانزیت و عبوری از خاک آمریکا را دارند، داده می شود. با توجه به این نوع ویزا، ضمن این آنها نمی توانند از شعاع ۲۵ مایلی محل اقامت ایشان دور شوند. حتی نمی توانند کد امنیتی اجتماعی دریافت کنند، در نتیجه نمی توانند اقدام به اجاره مسکن، خرید خودرو و اجناس و غیره کنند، همچنین آنها به علت داشتن این نوع ویزا حتی نمی توانند کارت فعالیت خبرنگاری دریافت کنند، بنابراین، به هنگام فعالیت حرفه ای با مزاحمت های پلیس مواجه می شوند. (<http://www.farsnews.com/newstext.php>)

۱۱. بافت قدرت سیاسی کشورها

ساختار و ماهیت نظام های سیاسی کشورها، تقسیمات، جهت گیری ها و رقابت های سیاسی و به طور کلی بافت هیئت حاکمه و قدرت سیاسی در پذیرش یا عدم پذیرش فعالیت روزنامه نگاران بین المللی تاثیر گذار است. به عبارتی، نوع نگرش و نحوه برخورد دولت ها و مقامات یک کشور با روزنامه نگاران بین المللی با بافت قدرت سیاسی آن جامعه، ارتباط مستقیم دارد. در کشورهای که مخالفان دولت ایران در بافت سیاسی آنها

نفوذ دارند به همان اندازه حضور و فعالیت روزنامه نگاران ایرانی در آن کشورها با مانع روبرو می‌شود، به طوری که گاهی اوقات، مخالفان به روزنامه نگار مستقل ایرانی برچسب «جاسوس»، «طرفدار حکومت»، «وابسته به حکومت» و غیره می‌زنند و بدین ترتیب، مقامات کشور میزبان را ترغیب به اخراج یا زندانی کردن روزنامه نگار می‌کنند. همچنین در کشورهای که، هیأت حاکمه آنها راجع به موضوعی، دارای تعصب خاص هستند یا گرایش به یک ایدئولوژی خاص دارند، فعالیت روزنامه نگاران ایرانی در آن کشورها با مشکل جدی مواجه است، مثلاً در کشوری که یهودیان در بافت سیاسی آنها نفوذ دارند، روزنامه نگاران ایرانی و مسلمان اجازه فعالیت آزادانه ندارند.

۱۲. تبعیض میان روزنامه نگاران

مقامات سیاسی، پلیس و دیگر تصمیم گیران کشورها، به خصوص کشورهای غربی، میان روزنامه نگاران خارجی تبعیض قائل می‌شوند. بعضاً این تبعیض‌ها از نگاه قوم‌مدارانه آنها نشأت می‌گیرد که، اغلب اوقات باعث می‌شود تا آنها روزنامه نگاران سفید را بر سیاه، غربی را بر غیر غربی، غیر مسلمان را بر مسلمان، بی‌حجاب را بر محجبه و غیره ترجیح دهند. اعمال تبعیض‌های نژادی، قومی، جنسیتی، زبانی، مذهبی و غیره باعث می‌شود که بسیاری اوقات تنها روزنامه نگاران خاص بتوانند در جلسات و کنفرانس‌های مهم خبری حضور داشته باشند و دیگر روزنامه نگاران، از جمله روزنامه نگاران ایرانی از حضور در این گونه جلسات و پوشش خبری مستقیم آن محروم می‌شوند.

۱۳. نداشتن تجارب فعالیت‌های بین‌المللی

روزنامه نگاران ایرانی به علت نداشتن تجارب بین‌المللی حرفه‌ای، خود را باور ندارند و از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند، لذا برای عرض اندام در سطح بین‌المللی و رقابت با هم‌تایان خارجی خود تلاش نمی‌کنند و نمی‌توانند از فرصت‌ها و امکانات موجود برای انتشار افکار و عقاید خود در سطح بین‌المللی استفاده کنند.

۱۴. ناشناس بودن برای دیگر رسانه‌های خارجی

روزنامه نگاران ایرانی به دلیل عدم حضور در سطح بین‌المللی، برای بسیاری از رسانه‌های خارجی ناشناخته هستند. با این که ممکن است برخی از آنها در سطح بین‌المللی

حرفی برای گفتن هم داشته باشد، اما در سایه این ناشناختگی فراموش می شوند.

نتیجه گیری

نتیجه ای که می توان از این مطالعه گرفت، این است که، نقش هر کشور در صحنه بین المللی فقط در افکار و عقاید سیاستمداران آن خلاصه نمی شود، روزنامه نگاران بین المللی نیز، به سبب فعالیت ها و عملکردهای حساس ایشان، از ناظران و بازیگران مهم و بسیار موثر در عرصه های بین المللی شناخته می شوند.

روزنامه نگاران بین المللی دو نقش عمده در عرصه های بین المللی ایفا می کنند. بخشی از آنها «بازیگران» صحنه های بین المللی به شمار می آیند و بخشی دیگر «شاهدان» رویدادها و مسائل بین المللی محسوب می شوند. روزنامه نگاران «بازیگر»، می توانند نقش مهمی در روابط بین المللی به خصوص در دوران بحران ایفا کنند.

به طور کلی، باید گفت، روزنامه نگاران «در گردان» بین سیاست و روزنامه نگاری به شمار می آیند. اما خطر بالقوه این است که روزنامه نگاری و سیاست هدف های متفاوتی دارند. سیاست به دنبال تاثیر بر پیامدها، القای خط مشی های خاص بر دیگران و داشتن ایدئولوژی یا دیدگاه سیاسی ویژه ای است که یک سیاستمدار می خواهد پیش ببرد. در حالی که، هدف روزنامه نگاری، آگاه کردن مردم از وقایع و ارتقاء بحث عمومی است، نه دنبال کردن خط مشی و ایدئولوژی خاص.

امروز، بنابر دلایل اقتصادی، تنها معدودی از روزنامه ها، قادر به تاسیس دفاتر خبری در سطح بین المللی هستند. ایجاد دفاتر خبری و اعزام روزنامه نگار به پایتخت یک کشور خارجی، سالانه هزینه فراوانی در بر دارد، که پرداخت و تامین آن از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. حتی در کشورهای مرفه جهان غرب نیز تنها روزنامه های انگشت شماری، یک تیم کامل خبری به کشورهای دیگر اعزام می کنند. معدود روزنامه نگارانی که از سوی روزنامه های کشورهای در حال توسعه احیانا به لندن و نیویورک اعزام می شوند با هزینه سرسام آوری مواجه اند. بنابراین، اکثر رسانه ها، از جمله رسانه های ایران، اخبار بین المللی را از طریق چند خبرگزاری بزرگ غرب، رویترز، خبرگزاری فرانسه، آسوشیتدپرس

و یونایتدپرس دریافت می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که میزان نفوذ و قدرت تاثیرگذاری روزنامه نگاران ایرانی، در سطح بین‌المللی بسیار پایین است، که این امر دلایل متعددی دارد. نبود مطبوعات موثر ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی و یا حتی منطقه‌ای، کمبود روزنامه نگاران متخصص و حرفه‌ای آموزش دیده در حوزه‌های مختلف بین‌المللی، عدم تسلط به زبان‌های دیگر، به روز نکردن دانش روزنامه نگاری و افزایش ندادن توانایی‌های حرفه‌ای خود، عدم برخورداری از تحصیلات بالایی دانشگاهی، عدم حضور در کانون‌های مهم خبری، از جمله مهم‌ترین عواملی است که روزنامه نگاران ایرانی را در سطح بین‌المللی با چالش روبه‌رو کرده است.

بنابراین، روزنامه نگاری امروز ایران، نیاز به بازنگری همه‌جانبه و عمیق دارد. توسعه و گسترش دوره‌های تخصصی آموزش روزنامه نگاری و تربیت روزنامه نگاران متخصص و کاردان برای ایفای مسئولیت‌های حساس روزنامه نگاری در کشورهای خارجی و به خصوص مراکز حساس بین‌المللی ضرورت دارد. همچنین به نظر می‌رسد برخی اقدامات دیگر نیز می‌توانند در پذیرفتن روزنامه نگاران ایرانی در سطح بین‌المللی موثر واقع شوند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی حرفه‌ای با استفاده از استادان مجرب و روزنامه نگاران زبده و کارکشته بین‌المللی، که در بحران‌ها، جنگ‌ها و اتفاقات مهم جهانی حضور موثر داشته‌اند، رصد کردن فعالیت‌های حرفه‌ای روزنامه نگاران و رسانه‌های خارجی در مورد مسائل بین‌المللی، برگزاری سمینارها و گردهمایی‌های تخصصی در جهت آسیب‌شناسی وضعیت روزنامه نگاری ایران در سطح بین‌المللی، تشویق روزنامه نگاران فعال در حضور بین‌الملل برای تقویت و یادگیری زبان‌های خارجی، امضای قراردادهای همکاری میان رسانه‌های داخلی با رسانه‌هایی بین‌المللی، اعزام روزنامه نگاران مستعد و علاقه‌مند به مسائل بین‌المللی، به کانون‌های مهم خبری، ایجاد دفاتر خبری در مراکز مهم کشورها و غیره از جمله اقداماتی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان به تجربیات بین‌المللی در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای دست یافت.

منابع:

- اسدی، عباس. «اینترپرس سرویس؛ یک خبرگزاری جهانی برای کشورهای جهان سوم»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تابستان ۱۳۸۹.
- اسدی، عباس و گیتا علی آبادی. شناسنامه خبرگزاری های جهان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ . ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- اسمیت، آنتونی. ژئوپولیتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شیروانی، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- بدیعی، نعیم. «ساختار اخبار خارجی در روزنامه های تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲، شماره ۳ و ۴.
- شیلر، هربرت. وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری امریکا، ترجمه احمد میرعابدینی، تهران، سروش، ۱۳۷۷.
- مک براید شن، یک جهان چندین صدا، ترجمه ایرج پاد، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- معمدنژاد، کاظم. ارتباطات بین المللی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، ۱۳۸۹.
- معمدنژاد، کاظم و رویا. حقوق ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، ۱۳۸۶.
- معمدنژاد کاظم و ابولقاسم منصفی. روزنامه نگاری، تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۶۸.
- مهاجرانی، عطاالله. «خبرگزاری ها و ائتلاف برای صلح»، مجموعه مقالات همایش بین المللی خبرگزاری ها ائتلاف برای صلح، تهران، سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳، جلد دوم.
- واکر، مارتین. قدرت های جهان مطبوعات، ترجمه م. قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- هربرت، جان. روزنامه نگاری جهانی، ترجمه: یونس شکرخواه و علی ایشاری کسمایی، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴.

Anvers 1894, Premier congrès international de la presse, Strasbourg, Alphacom-CUEJ, 1995.

Cohen Bernard Cecil, The Press and foreign policy, New York, 1963.

- Durance K. Les revendications des journalistes à travers les congrès internationaux de presse, Paris, 1925.
- Duroselle Jean- Baptiste. Opinion, attitude, mentalité, mythe, idéologie: essai de classification, 1974.
- Lamloum Olfa, Al-Jazira, miroir rebelle et ambigu du monde arabe, Paris, La Découverte, 2004.
- «Les médias et l'union européenne : le prisme national perdure », entretien, Horizons Stratégique, No 6, octobre 2007.
- Marthoz Jean-Paul, Et maintenant, le monde en bref, Paris, Edition compelex, 2006.
- Martin M., Médias et journalistes de la République, Paris, Odile Jacob, 1996.
- Powlick Philip J. The sources of public opinion for american foreign policy officials, International Studis Quarterly, 1995.
- Wahl-Jorgenson Karin & Thomas Hanitzsch, The Handbook Of Journalism Studies, First Publish, Routledge, 2009.
- Le Monde, 13 octobre 1995.
- Le Monde, 5 avril 2003.
- www.bbc.co.uk
- www.dw-world.de
- www.dw-world.de/dw/article
- www.english.aljazeera.net
- www.farsnews.com
- www.LatinReporters.com
- www.presstv.ir
- www.RFI.fr